

القرآن

رمضان



Ramadhan

www.eslahe.com



۱ دونه ماو خودا که ده بښنده و دلوڅانه.

۲ سوپاس ښوخوا که راهبښنه رې جېان.

۳ دونه بښنده دې دلوڅانه.

۴ خاوه نې روژې په پېلانه.

۵ نښه جهر توده په رښتين پښتن جهر که به توده په پښتين

۶ له کراسته رې شارو زان که:

۷ رې نه وانه مې کمخوت چا که ته که ل کړوون نه که وانه

که که به توره يې که ووتون: نه نه وانه شس که لارې ښون.

۵ پښتن جهر... يا جهر له خوشت تاريخا رې اودا ده کين.

۷ رې نه وانه مې... يا: رې که مې وانه که به بهر ته پني که ياندون.

۷ نه نه وانه شس... يا: نه نه وانه شس که کومې ښون.

استقبال از ماه مبارک رمضان

ستایش بی حد مخصوص خدای متعال است که نعمت ایمان را بر بندگانش تفضل فرمود و روزه ماه مبارک رمضان را یکی از ارکان اسلام قرار داد و درود و سلام بی حد بر خاتم انبیا حضرت محمد مصطفی بهترین الگویی که به نماز ایستاد و عبادت روزه را انجام داد و همچنین بر آل و یاران او و پیروان برحق او تا روز جزا.

برادر و خواهر مسلمان! ماه مبارک رمضان بر شما سایه‌ی خیر و برکت افکنده است؛ ماه نزول قرآن، ماه بعثت پیامبر اسلام، ماه مغفرت و آمرزش، ماه جود و کرم، ماه بخشش و نیکوکاری، ماه ایثار و از خودگذشتگی، ماه جهاد و کوشش، ماه سعی و تلاش، ماه تزکیه و سازندگی و ماه ضیافت الله بر همه‌ی شما مسلمانان مبارک باد!

عزیزانم! رمضان ماه تهذیب نفس، شکستن شهوت، چیره شدن بر نفس، ماه صبر و استقامت و بالاخره ماه اصلاح خود و جامعه است.

در عصر اینترنت که عصر مدرن ارتباطات است می‌توانیم از برنامه‌های متنوع و مفید رمضان در سراسر جهان به خوبی استفاده کنیم. با توبه‌ی نصوح و مداومت بر تقوا به پیشواز این ماه پربرکت بشتابیم و از برنامه‌های معنوی این ماه بهره‌مند شویم.

تلاوت قرآن، حضور به موقع در نمازهای پرفیض جماعت، تراویح و قیام اللیل، شرکت در کلاس‌های آموزشی ویژه‌ی رمضان، حضور در مجالس موعظه، جلسات قرآنی دوره‌ای در مساجد و مراکز دینی و منازل از مهم‌ترین برنامه‌های رمضان است که می‌توان به وسیله‌ی آن‌ها خود را به درگاه احدیت مقرب سازیم.

عزیزان! فرصت موسم خیر را مغتنم شمرده و کاری کنیم که رمضان شاهد خیر بر یکایک ما باشد؛ نه این که کاری کنیم که رمضان علیه ما شهادت دهد. در حدیث صحیح آمده است:

«شَقِيَّ عَبْدٌ أَذْرَكَ رَمَضَانَ، فَأَسْلَخَ مِنْهُ وَلَمْ يُغْفَرْ لَهُ، فَقُلْتُ: آمِينَ» (صحیح: الأدب المفرد

للبخاری/۶۴۴) بدبخت و محرم از رحمت خدا است کسی که رمضان را درک نماید سپس

رمضان تمام شود ولی او بخشیده نشود (جبریل گفت: بگو آمین) گفتم: آمین.

❖ بشارت به قدوم رمضان:

رسول اکرم اصحاب گرامی خود را به قدوم رمضان بشارت می‌داد و می‌فرمود: «أَتَاكُمْ رَمَضَانُ شَهْرٌ مَبَارَكٌ فَرَضَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَيْكُمْ صِيَامَهُ، تَفْتَحُ فِيهِ أَبْوَابُ السَّمَاءِ، وَتُغْلَقُ فِيهِ أَبْوَابُ الْجَحِيمِ، وَتُغْلَى فِيهِ مَرَدَةُ الشَّيَاطِينِ، لِلَّهِ فِيهِ لَيْلَةٌ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ، مَنْ حَرَّمَ خَيْرَهَا فَقَدْ حَرَّمَ» (صحیح: نسائی/۲۱۰۶) «رمضان ماه پر خیر و برکت در راه است. خداوند متعال روزه‌داری این ماه را بر شما فرض و واجب نموده است، در این ماه درهای آسمان باز می‌شود، و درهای دوزخ بسته می‌شود، و شیاطین زنجیر می‌شوند، و برای خداوند است در این ماه مبارک شبی که ثواب و پاداش عبادات در آن بهتر از هزار ماه می‌باشد؛ کسی که از ماه رمضان محروم گشت بی‌گمان از همه‌ی خوبی‌ها محروم گشته است».

پیامبر عظیم الشان اسلام بهترین اسوه و الگو برای امت اسلامی است. ایشان در این ماه از سایر ماه‌ها بخشنده‌تر بودند. «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَجْوَدَ النَّاسِ، وَكَانَ أَجْوَدَ مَا يَكُونُ فِي رَمَضَانَ حِينَ يَلْقَاهُ جَبْرِيْلُ وَكَانَ يَلْقَاهُ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ مِنْ رَمَضَانَ فَيُدَارِسُهُ الْقُرْآنَ فَلَرَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَجْوَدُ بِالْخَيْرِ مِنَ الرِّيحِ الْمُرْسَلَةِ» (بخاری/۶) رسول خدا صلی الله علیه وسلم سخاوتمندترین انسانها بود. و سخاوتمندتر از هر وقت، زمانی بود که در ماه مبارک رمضان جبرئیل نزد ایشان می‌آمد. جبرئیل در تمام شب‌های رمضان، قرآن را با رسول خدا صلی الله علیه وسلم تکرار می‌نمود. و آن حضرت صلی الله علیه وسلم در پخش خیر و نیکی، از بادهای روان نیز سبقت می‌گرفت.

مرور قرآن کریم، یعنی قرآن‌خوانی دوره‌ای که چند نفر با هم به ترتیب قرآن را می‌خوانند و دیگران استماع می‌کنند. خوشبختانه این شیوه‌ی قرآن‌خوانی هنوز در بسیاری از مساجد بلاد اسلامی پررنگ و به قوت خود باقی است هر چند در بعضی مساجد کم رنگ و یا متأسفانه متروک شده است.

اللهم انك
عفو كريم تحب العفو فاعف عنا

❖ رمضان باعث کفاره‌ی گناهان می‌گردد:

رمضان مانند حج و عمره و نماز جمعه و جماعت سبب آمرزش گناهان می‌شود. در حدیث آمده است: «الصَّلَاةُ الْخَمْسُ، وَالْجُمُعَةُ إِلَى الْجُمُعَةِ، وَرَمَضَانُ إِلَى رَمَضَانَ، مُكَفِّرَاتٌ مَا بَيْنَهُنَّ إِذَا اجْتَنَبَ الْكَبَائِرَ» (مسلم/۲۳۳) نمازهای پنجگانه و جمعه تا جمعه ی دیگر و رمضان تا رمضان دیگر، پاک کننده ی گناهان ما بین آنهاست به شرطی که از گناهان کبیره اجتناب شده باشد.

در حدیث قدسی آمده است: «مَا مِنْ حَسَنَةٍ عَمِلَهَا ابْنُ آدَمَ إِلَّا كُتِبَ لَهُ عَشْرُ حَسَنَاتٍ إِلَى سَبْعِ مِائَةِ ضِعْفٍ، قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: إِلَّا الصَّيَّامَ فَإِنَّهُ لِي، وَأَنَا أَجْزِي بِهِ يَدْعُ شَهْوَتَهُ وَطَعَامَهُ مِنْ أَجْلِي، الصَّيَّامُ جُنَّةٌ لِلصَّائِمِ فَرْحَتَانِ: فَرْحَةٌ عِنْدَ فِطْرِهِ، وَفَرْحَةٌ عِنْدَ لِقَاءِ رَبِّهِ. وَلَخُلُوفٌ فَمِ الصَّائِمِ أَطْيَبُ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ رِيحِ الْمُسْكِ» (صحیح: نسائی/۲۲۱۵) تمام کردار بنی آدم مضاعف (چند برابر) می‌گردد؛ هر حسنه بین ده تا هفتصد برابر پاداش داده می‌شود به جز روزه (که بی‌نهایت مضاعف می‌گردد چون روزه عبادت ویژه‌ای است که تنها خداوند متعال از حالت روزه‌دار مطلع و آگاه است) روزه از آن من است و خود من پاداش آن را می‌دهم. (خداوند می‌فرماید): روزه دار، خوردن، آشامیدن و ارضای تمایلات جنسی را بخاطر من، ترک می‌کند. و روزه، سپری (در برابر آتش دوزخ و گناهان) است. روزه دار، دو بار خوشحال می‌شود: یکی، هنگامی که افطار می‌کند. و دیگری، زمانی که با پروردگارش ملاقات می‌نماید، از روزه اش شادمان می‌شود. و بوی دهان روزه دار، نزد خداوند از بوی مُشک، خوشبو تر است.

در حدیث آمده است: «مَنْ قَامَ رَمَضَانَ إِيمَانًا وَاحْتِسَابًا غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ». (بخاری/۳۷) هر کس، ماه مبارک رمضان را بقصد حصول ثواب، در عبادت بگذراند، تمام گناهان گذشته اش، مورد عفو قرار خواهند گرفت.

نَبِيِّ عِبَادِي أَنِّي أَنَا الْغَفُورُ الرَّحِيمُ

❖ مضاعف شدن ثواب روزه بر چه اساسی است؟

روزه تنها ترک خوراک و آب نیست، بلکه روزهی شرعی و حقیقی همان روزهی است که افزون بر ترک آب و غذا، یک انقلاب درونی پدید می آورد که موجب سازندگی شخص روزه دار می گردد و او را از هر نوع آلودگی و گناه دور می سازد. به عبارت دیگر روزهی که ثواب مضاعف بر آن مترتب می گردد روزهی است که روزه دار همراه با ترک غذا و آب از تمام گناهان، نافرمانی ها، آزارها و... دست بشوید و تمام اعضای او روزه دار باشد، چنین روزهی مقبول درگاه حق تعالی قرار می گیرد و ثواب بی نهایت برای روزه دار محقق می گردد.

«مَنْ لَمْ يَدَعْ قَوْلَ الزُّورِ وَالْعَمَلَ بِهِ فَلَيْسَ لِلَّهِ حَاجَةٌ فِي أَنْ يَدَعَ طَعَامَهُ وَشَرَابَهُ». (بخاری: ۱۹۰۳)

کسی که در هنگام روزه داری دروغ گویی و گفتار ناحق عمل به مقتضای آن را ترک نکند، خداوند نیازی ندارد که او خوردن و نوشیدن را ترک کند.

بنابراین حقیقت روزه مقصود است نه نخوردن و نیاشامیدن. و روزهی حقیقی روزهی است که ما را از انجام دادن بدی ها باز دارد و موجب تزکیه ی نفس و تقوای الهی گردد. چنین روزهی ثواب و پاداش مضاعف بر آن مترتب می گردد.

❖ قداست رمضان:

رمضان بهار عبادت و بهترین فرصت مناسب برای اصلاح خود و جامعه ی اسلامی است. مسلمانی که نسبت به رمضان دید منفی داشته باشد و از برنامه های ویژه ی این ماه پر خیر و برکت فاصله بگیرد و حتی با کمال جرأت در انتظار عمومی تظاهر به روزه خواری کند، مثل این که به زبان حال خود می گوید: ای ملت مسلمان، من از شما و عمل تان جدا میزارم و با این شعار ننگین خود اعلام جنایت و جرم می کند که این امر مستوجب تعزیر و عقوبت وی می شود.



خَيْرُكُمْ مَنْ تَعَلَّمَ الْقُرْآنَ وَعَلَّمَهُ



روزه و رمضان از نگاه قرآن

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ * أَيَّامًا مَعْدُودَاتٍ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةٌ طَعَامُ مِسْكِينٍ فَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ وَأَنْ تَصُومُوا خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ * شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ وَمَنْ كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ وَلِتُكْمِلُوا الْعِدَّةَ وَلِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَى مَا هَدَاكُمْ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (بقره/ ۱۸۳-۱۸۵)

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! بر شما روزه واجب شده است، همان گونه که بر کسانی که پیش از شما بوده‌اند واجب بوده است، تا باشد که پرهیزگار شوید. (روزه در) چند روز معین و اندکی است، و کسانی که از شما بیمار یا مسافر باشند (اگر افطار کردند و روزه نگرفتند، به اندازه آن روزها) چند روز دیگری را روزه می‌گیرند، و بر کسانی که توانائی انجام آن را ندارند، لازم است کفاره بدهند، و آن (کفاره) خوراک مسکینی است و هر که کار خیر را پذیرا شود (و بر مقدار فدیة بیفزاید) برای او بهتر است. و روزه داشتن برای شما بهتر است اگر (حقائق و نکات عبادات را) بدانید. (آن چند روز معین) ماه رمضان است، که قرآن در آن فرو فرستاده شده است تا مردم را راهنمایی کند و نشانه‌ها و آیات روشنی از ارشاد (به حق) باشد و (میان حق و باطل) جدائی افکند. پس هر که از شما این ماه را دریابد، باید که آن را روزه بدارد. و اگر کسی بیمار یا مسافر باشد (می‌تواند از رخصت استفاده کند) و چندی از روزهای دیگر را (روزه بدارد). خداوند آسایش شما را می‌خواهد و خواهان زحمت شما نیست، و (خداوند ماه رمضان و رخصت آن را برای شما روشن داشته است) تا تعداد (روزهای رمضان) را کامل گردانید و خدا را بر این که شما را (به احکام دین) هدایت کرده است، بزرگ دارید و تا این که سپاسگزار او باشید.

❖ تفسیر و بیان:

روزه ماه مبارک رمضان در سال دوم هجری دو سال قبل از مشروعیت جهاد بر امت اسلامی فرض گردید. آری! بر امتی که بنا است تا با قیام به فریضه جهاد، عهده‌دار مأموریت تحکیم دین خدای عزوجل در روی زمین گردد، فرضیت روزه نیز بسیار مهم است، زیرا روزه میدان آزمایش اطاعت و انقیاد انسان برای پروردگار، جلوه‌گاه پیروزی اراده و عزم و تصمیم، و اوج‌گاه اعتلای وی بر همه وابستگی‌های جسمی و شهوانی است، که همه این‌ها خصائل بسیار ضروری برای آماده‌سازی نفس انسان مؤمن مجاهد در راه خدا است، انسان‌هایی که باید قبل از عبور از موانع و پایگاه‌های دشمن، از موانع و پایگاه‌های شهوات درونی خویش که به هزار گونه چهره‌نمایی می‌کند، عبور نمایند.

روزه کانون فوران خیر و حکمت و دانشگاه بزرگ تربیت و تقوی است. روزه ابزار پاکسازی نفس و وسیله خشنودی پروردگار است، روزه پرورش دهنده اراده، و آزمایشگاه صبر و پایداری و تحمل سختی‌ها و دشواری‌ها است، تجلی تقوی در آئینه روزه از جهات و جوانب مختلفی است که اینک بطور فشرده به اهم زوایای آن می‌پردازیم:

۱) روزه روحیه ترس از خدای عزوجل را در نهاد انسان می‌پروراند. از آن‌رو که جز پروردگار بزرگ هیچ کس دیگری ناظر و مراقب همیشگی شخص روزه‌دار نیست، و چون انسان روزه‌دار احساس گرسنگی یا تشنگی نماید، و از آن سوی دیگر بوی خوش غذا مشام وی را تحریک و جلوه فریبده آب سرد و گوارا نگاه وی را به سوی خود بکشانند، اما او به انگیزه ایمان و ملاحظه پروردگار خویش از تناول آنها صرف نظر کند، در اینجا است که معنای ترس از خدای عزوجل را در اندرون وجود خویش محقق گردانیده است، و هنگامی که خواهش‌ها و شهوت‌ها خود را در برابر وی بیارایند، و او از ترس پایمال شدن حرمت روزه، از آنها رخ برتابد، در اینجا است که از خدای عزوجل حیا نموده و وی را ناظر و مراقب خویش شناخته است. پس آنگاه که نفس انسان با هواها به پیکار برمی‌خیزد، یاد خداوند

متعال در نهاد وی زنده است، از این رو بازگشت به جاده صواب هم در دسترس وی می باشد،

چنانکه خدای متعال می فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا

فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ» (اعراف/۲۰۱) پرهیزگاران هنگامی که گرفتار وسوسه‌ای از شیطان

می شوند به یاد (عداوت و نیرنگ شیطان، و عقاب و ثواب یزدان) می افتند، و (در پرتو یاد

خدا و به خاطر آوردن دشمنانگی اهریمن) بینا می گردند (و آگاه می شوند که اشتباه

کرده اند و از راه حق منحرف شده اند، و لذا شتابان به سوی حق برمی گردند).

و در یک کلام: روزه نفس انسان را آماده تقوا می گرداند، به همین دلیل است که پروردگار

در بیان فلسفه مشروعیت آن می فرماید: «لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ»

(۲) روزه جوشش شهوت را درهم شکسته و از سلطه آن می کاهد، و در نتیجه طبیعت و مزاج

انسان را به حالت اعتدال آن برمی گرداند. چنانکه رسول اکرم صلی الله علیه و سلم برای

کسی که تمکن ازدواج ندارد، روزه را توصیه نموده و فرمودند: «مَنْ اسْتَطَاعَ الْبَاءَةَ فَلْيَتَزَوَّجْ

فَإِنَّهُ أَغْضُ لِلْبَصَرِ وَأَحْصَنُ لِلْفَرْجِ وَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَعَلَيْهِ بِالصَّوْمِ فَإِنَّهُ لَهُ وَجَاءٌ». (بخاری/۱۹۰۵)

«هر آن کس که توان مالی ازدواج را ندارد، پس باید روزه بگیرد، زیرا روزه، شکننده

شهوت او است.» هم چنین فرمودند: «الصَّيَّامُ جَنَّةٌ» (بخاری/۴۹۸۱) «روزه سپر است» یعنی

سپر و محافظ انسان از آلودگی به گناه.

(۳) روزه احساس ها و عواطف مهر، شفقت و انسانیت را در نهاد انسان برمی انگیزاند، که این

به نوبه خود روزه دار را به جود و احسان و یاریگری به محرومان وامی دارد، زیرا هنگامی که

انسان طعم گرسنگی را چشیده از حال مساکین و بینوایان باخبر گردید، قطعاً احساس کمک

به آنان در ضمیر وی بیدار می شود، و این از اوصاف مؤمنان است. که خدای عزوجل در

آیه: ۲۹ سوره مبارکه فتح می فرماید: «رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» مؤمنان در میان همدیگر مهربان و

مشفق اند.

۴) روزه تحقق‌بخش معنی مساوات و برابری میان توانگران و ناداران و اشراف و مستندان است، از آنرو که همگان بی هیچ تفاوتی برای ادای یک فریضه واحد در یک صف قرار می‌گیرند. و این یکی دیگر از فواید اجتماعی روزه می‌باشد.

۵) روزه انسان را به نظم، انضباط، برنامه ریزی و صرفه جوئی اقتصادی عادت می‌دهد، چه پایبندی به آداب و ارکان مخصوص آن، از جمله اوقات معین افطار و سحر، مستلزم تحقق این معانی است.

۶) روزه بنیه جسمی انسان را نوسازی و صحت و سلامتی او را تقویت می‌نماید، چه بسا روزه‌داری، جسم انسان از رسوبات و زباله‌های مضر تخمیر شده در اندرون بافت‌های وجود وی پاکسازی می‌کند، و در نتیجه اعضای بدن در میزبانی روزه به استراحت و آرامش فراخوانده می‌شوند. روزه همچنین قرنطینه ذهنی برای انسان است، چه ذهن انسان روزه‌دار فقط به مسئولیت‌ها و تکلیف‌های بزرگ عبادی و انسانی‌اش متمرکز گردیده و از گرفتاری‌ها و مشغله‌های حاصله از لذت‌جویی‌های جسمی فارغ می‌گردد، و اثرات این تحول مثبت در جسم انسان عادتاً بعد از سه یا چهار روز اولیه ماه مبارک رمضان، که بدن در آن‌ها دچار یک نوع رخوت و سستی است، پدیدار می‌شود.

البته باید توجه داشت که همه این فوائد جسمی، روحی، صحتی و اجتماعی روزه مشروط به رعایت اعتدال و میانه‌روی در تناول غذای افطار و سحر است، در غیر آن همه چیز برای روزه‌دار معکوس گردیده، و جز رنج و ضرر برای وی حاصلی دربرنخواهد داشت.

شکی نیست که برای تحقق این اهداف، باید روزه‌دار چشم و گوش و زبان خویش را از آلودگی به غیبت، سخن چینی و لهو باز دارد، چنانکه رسول خدا صلی الله علیه و سلم می‌فرماید: «مَنْ لَمْ يَدَعْ قَوْلَ الزُّوْرِ وَالْعَمَلَ بِهِ فَلَيْسَ لِلَّهِ حَاجَةٌ فِي أَنْ يَدَعَ طَعَامَهُ وَشَرَابَهُ».

(بخاری/۱۹۰۳) کسی که در هنگام روزه‌داری دروغ‌گویی و گفتار ناحق عمل به مقتضای آن را ترک نکند، خداوند نیازی ندارد که او خوردن و نوشیدن را ترک کند. و همچنین رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمودند: «رُبَّ صَائِمٍ لَيْسَ لَهُ مِنْ صِيَامِهِ إِلَّا الْجُوعُ» (حسن صحیح:

سنن ابن ماجه/۱۶۹۰) و چه بسا بیاورد روزه‌دارانی که دسترنج‌شان از روزه‌داری جز گرسنگی و تشنگی چیز دیگری نیست.

بنابراین انسان روزه‌دار باید بداند که شکننده‌های معنوی روزه همانند شکننده‌های مادی و حسی آن، بر اهداف و اثرات روزه تأثیر منفی به جا می‌گذارند.

«شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ...» با شوق و محبت فراوان به سوی روزه بشتابید. چرا که ماه مبارک رمضان میزبان نزول قرآن، کتاب جاودان این امت است، کتابی که این امت را از تاریکی‌ها به سوی نور هدایت کرد و زمینه را برای تمکین این امت در روی زمین آماده ساخت. وگرنه بدون این قرآن، این امت نه فقط در زمین بلکه در آسمان نیز چیزی نبود و شناسنامه نداشت. پس به شکرانه نعمت قرآن هم که شده باید به سوی رمضان شتافت، که به فرموده پیامبر خدا صلی الله علیه و سلم فرمود: «الصَّيَّامُ وَالْقُرْآنُ يَشْفَعَانِ» (حسن صحیح: صحیح الترغیب والترهیب/ ۹۸۴) روزه و قرآن برای بندگان در روز قیامت شفاعت می‌کنند.

«هُدًى لِلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ...» و حکمت در اینکه هدایت دو بار در این آیه مبارکه تکرار شده، این است که هدایت قرآن بر دو نوع است: ۱- هدایت واضح و روشنی که انسان‌ها در اولین برخورد عادی آن را می‌فهمند. ۲- هدایتی که فقط بندگان خاصان به فهم آن توانایند، که فایده هدایت اول بیشتر است.

❖ احکام آیات فوق:

آیات مبارکه فوق احکام بسیاری را در برگرفته اند، که به طور خلاصه به بیان آن‌ها می‌پردازیم:

۱) روزه در چهارچوب احکام و ارکان اسلام، دارای فضل و ثواب بسیار بزرگی است، و در فضیلت آن همین کافی است که خدای عزوجل آن را منسوب به خودش ساخته است. چنانکه در حدیث قدسی می‌فرماید: «كُلُّ عَمَلٍ ابْنِ آدَمَ لَهُ إِلَّا الصَّيَّامَ فَإِنَّهُ لِي وَأَنَا أَجْزِي بِهِ» (بخاری/ ۱۹۰۴) هر عملی که فرزند آدم انجام دهد، برای خودش می‌باشد، جز روزه که مخصوص من است. و من خودم پاداش آنرا خواهم داد.

قرطبی در بیان فلسفه این تخصیص دو نکته را ذکر می‌کند: اول: روزه نسبت به سایر عبادات، قدرت بازدارنده بیشتری از گرایش نفس به شهوات و خواهش‌ها داشته و در این زمینه

توانایی بیشتری را به نمایش می‌گذارد. دوم: روزه رازی است میان بنده و پروردگارش، که این راز فقط بر پروردگار روشن است، در حالی که مظهر خارجی سایر عبادات برای همه نمایان می‌باشد. امری که ممکن است زمینه دخول ریا را در آن‌ها مساعد گرداند. پس اختصاص روزه از سوی پروردگار به این دو دلیل است، و گرنه تنها روزه برای پروردگار نیست، بلکه در حقیقت همه عبادات برای وی است.

۲) خوردن روزه رمضان برای مریض و مسافر جواز داشته و قضا آوردن آن در وقت دیگری برای آنان فرض است. بیماری‌ای که شرعاً می‌تواند علت خوردن روزه گردد، در رأی اکثر فقها، عبارت از بیماری‌ای است که روزه گرفتن در آن می‌تواند سبب ضرر برای بیمار شود یا بر بیماری‌اش بیفزاید. و ملاک شناخت این گونه بیماری، گمان غالب انسان است، گرچه ظاهر لفظ مرض اقتضای معتبر شناختن مطلق مرض بدون هیچ قید و قرینه دیگری می‌باشد، چنانکه ابن سیرین و عطاء و بخاری گفته‌اند، بنابراین همین که بتوان بر یک علت نام بیماری را نهاد، کافی است و نوع خاصی از بیماری مقید نشده است.

اما سفر مباح کننده روزه خوردن در نزد جمهور: سفری است که نمازهای چهار رکعتی در آن کوتاه خوانده می‌شود، و اندازه آن به مقیاس امروزی آن را در حدود (۸۱) کیلومتر است.

نکته: اکثر فقها برآن‌اند که روزه خوردن برای مریض و مسافر رخصتی است از سوی شریعت و الزامی نیست. پس مریض و مسافر می‌توانند روزه بگیرند و می‌توانند روزه را بخورند. به دو دلیل: اول: این که از مفهوم آیه مبارکه رخصت اختیاری دانسته می‌شود. دوم: این که احادیث زیادی نیز به این ارتباط وجود دارد: از جمله: عَنْ عَائِشَةَ، أَنَّ حَمْرَةَ الْأَسْلَمِيِّ، سَأَلَ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِنِّي رَجُلٌ أَسْرُدُ الصَّوْمَ أَفَأَصُومُ فِي السَّفَرِ؟ قَالَ: «صُمْ إِنْ شِئْتَ، وَأَفْطِرْ إِنْ شِئْتَ» (صحیح: سنن أبی داود/۲۴۰۲) از حضرت عایشه رضی الله عنها روایت است که می‌گوید: حمزه اسلمی از رسول خدا صلی الله علیه و سلم سؤال کرد که من مردی هستم که اغلب روزه می‌گیرم آیا در سفر روزه بگیرم؟ ایشان فرمودند: اگر می‌خواهی بگیر و اگر می‌خواهی بخور.

اکثر ائمه فقه بر آن اند که: اگر مسافر توان روزه گرفتن را داشت، گرفتن روزه برایش بهتر است. به دلیل فرموده خداوند متعال: «وَأَنْ تَصُومُوا خَيْرٌ لَّكُمْ» یعنی اگر توان روزه گرفتن را داشته باشید، این برای شما بهتر از فدیة دادن است. به دلیل فوائد و آثاری که روزه دربردارد... اما احمد و اوزاعی و جمعی دیگر بر آن اند که نگرفتن روزه برای بیمار و مسافر بهتر است، به دلیل این فرموده خداوند تعالی: «يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ» (بقره/۱۸۵) خداوند آسایش شما را می خواهد و خواهان زحمت شما نیست. علماء اتفاق نظر دارند بر این که مسافر نمی تواند به مجرد تصمیم گیری بر سفر قبل از حرکت و بیرون شدن از خانه، روزه را بخورد. و اتفاق نظر دارند بر این که مسافر در سفر طاعت، مانند سفر حج و جهاد و صلۀ رحم و طلب رزق حلال و سفر تجارت و همه سفرهای مباح دیگر، رخصت خوردن را دارد. جمهور فقها (غیر از احناف) گفته اند که برای مسافر در سفر معصیت مطلقاً رخصت خوردن روزه یا کوتاه کردن نماز و امثال آن وجود ندارد. از آن رو که این رخصت ها، به وی در انجام فعل حرام کمک می کنند و شریعت از معاونت بر گناه نهی کرده است.

۳) اگر کسی مرد و بر ذمه وی روزه رمضان بود، در نزد جمهور: (مالک و شافعی و ابوحنیفه) شخص دیگری نمی تواند به جای وی روزه بگیرد، به دلیل این فرموده خداوند متعال: «وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى» (أنعام/۱۶۴) و هیچ کسی گناه دیگری را بر دوش نمی کشد. و فرمود: «وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى» (نجم/۳۹) و این که برای انسان پاداش و بهره ای نیست جز آنچه خود کرده است و برای آن تلاش نموده است. و نیز فرمود: «وَلَا تَكْسِبُ كُلُّ نَفْسٍ إِلَّا عَلَيْهَا» (أنعام/۱۶۴) هیچ کسی جز برای خود کار نمی کند.

۴) حکم زن باردار و شیرده: شافعی ها می گویند: بخورند و قضا بیاورند و فدیة هم بدهند. فقط در صورتی که به حال فرزند خود نگران باشند. مقدار فدیة یک مدّ از طعامی

است که غذای غالب اهالی آن منطقه بوده باشد در برابر هر روز، البته اگر کسی داوطلبانه زیاده‌تر از این مقدار را فدیة دهد این بهتر است. مد (۶۷۵) گرم و صاع (۲۷۵۱) گرم است.

۵) شکننده های روزه: خوردن، آشامیدن و جماع کردن به قصد، نساء و اجماعاً روزه را می‌شکند. همچنین خوردن دوا، قی کردن به قصد، استمناء (خارج گردانیدن آب منی بدون جماع)، فرو بردن آب در شکم در اثنای مبالغه در مضمضه و استنشاق، سیگار کشیدن و تناول هر چیز مادی‌ای که عمداً به شکم فرو برده شود - اعم از این که مغذی باشد یا نباشد - شکننده روزه است. همین طور فرو بردن اخلاط سینه و بینی در رأی شافعی‌ها.

۶) اما درباره کسی که به فراموشی جماع می‌کند سه رأی وجود دارد: الف) نه قضاء دارد نه کفاره. این رأی ابوحنیفه و شافعی و اکثر فقها است. ب) قضاء دارد نه کفاره در نزد مالک. ج) هم قضاء دارد و هم کفاره در مذهب احمد بن حنبل.

جماع عمد در روز رمضان به اتفاق فقها مستوجب کفاره است. هم چنین خوردن و آشامیدن به عمد در نزد احناف و مالکی‌ها، و خودداری از اکل و شرب در بقیة آن روز نیز واجب می‌باشد. اما در رأی اکثر فقها در شکستن عمدی روزه غیر رمضان کفاره واجب نمی‌شود، هر روزه‌ای که می‌خواهد باشد.

منبع: تفسیر المنیر در عقیده، احکام و برنامه زندگی / مفسر: استاد دکتر وهبة الزحیلی / مترجم: عبدالرئوف مخلص / انتشارات شیخ الاسلام احمد جام / چاپ دوم ۱۳۸۹

**خویندنه‌وی قورنانی پیروژ ته‌نها
بو بارینی به‌ره‌کەت نییه و به‌س
به‌لکوو بو فه‌هم و عه‌مه‌ل پی کردنیشیه‌تی**



اَللّٰهُمَّ ذٰلِكَ الْكِتٰبُ لَا رَيْبَ فِيْهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِيْنَ



العبادة

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بهترین و سودمندترین عبادت چیست ؟

و معیار صحیح برای برتری عبادت

نویسنده : امام ابن القيم الجوزیه / مترجم: محمد حسین احمدی تبار

معیار صحیح برای برتری عبادت

کسانی که اهل مقام «ایاک نعبد» هستند، در زمینه‌ی بهترین و سودمندترین عبادت‌ها و ترجیح دادن آن بر سایر عبادت‌ها، چهار راه دارند و با توجه به آن به چهار گروه تقسیم می‌شوند:

گروه اول: معتقدند که بهترین و سودمندترین عبادت، سخت‌ترین و دشوارترین آن‌ها است؛ به دلیل:

- ۱- کارهای سخت و مشقت‌آور، بسیار دور از خواهشات و تمایلات نفسانی است و حقیقت عبودیت و بندگی نیز همین است.
- ۲- اجر و پاداش برحسب سختی و مشقت است. در این باره حدیثی روایت می‌کنند که اصل و اساسی ندارد: «أفضل الأعمال أحمرها». «بهترین کارها، سخت‌ترین و مشقت‌آورترین آن‌هاست». اینان اهل سخت‌گیری بر نفس خود هستند و می‌گویند: نفس با سخت‌گیری راست و استوار می‌شود، زیرا نفس به سستی، تنبلی و جاودانه در زمین ماندن تمایل دارد و تنها با فرو رفتن در دریای سختی‌ها و تحمل مشقت‌ها راست و استوار می‌شود.

گروه دوم: می‌گویند بهترین عبادت گوشه نشینی، زهد، ناچیز شمردن دنیا و اهمیت ندادن و توجه نکردن به تمام چیزهایی است که رنگ و بوی دنیایی دارند. اینان دو گروه هستند: الف) عوام: این را به عنوان هدف برمی‌شمارند، پس برای آن بسیار تلاش کرده و طبق آن

عمل می‌کنند و مردم را به سوی آن فرا می‌خوانند و زهد و گوشه نشینی را بهتر از درجه‌ی علم و عبادت می‌دانند و آن را هدف و غایت همه‌ی عبادت‌ها به شمار می‌آورند.

(ب) خواص: زهد را برای چیز دیگری می‌خواهند و به وسیله‌ی آن هدف‌های زیر را دنبال می‌کنند:

- مشغول ساختن قلب به خداوند - اهتمام ورزیدن به او - دل را آشیانه‌ی محبت خدا کردن - توبه و بازگشت به سوی او - توکل بر او - پرداختن به کسب رضایت و خشنودی او - جاری ساختن ذکر همیشگی او بر دل و زبان و محافظت از قلب در برابر هر آن چه که سبب از هم پاشیدگی و آشفته‌گی آن می‌شود.

گروه سوم: معتقد هستند که بهترین عبادت آن است که سودش به دیگران برسد و آن را بهتر از عبادتی می‌دانند که سود و بهره‌اش در شخص خلاصه می‌شود. پس خدمت به نیازمندان، پرداختن به مصلحت‌ها و منافع مردم، برآورده نمودن نیازمندی‌های آنان و کمک‌های مالی و معنوی به آنان را بهتر می‌دانند، بنابراین به چنین کارهایی پرداخته و در مسیر آن قدم می‌گذارند و در این باره به حدیث زیر استدلال می‌کنند: «الخلق کلهم عیال الله و أحبهم إلیه أنفعهم لعیاله» «همه‌ی مردم عیال خدایند و محبوب‌ترین آنان نزد خدا کسی است که برای عیال او سودمندتر باشد.» ابویعلی این حدیث را روایت کرده است.

دلیل آنان این است که اعمال عابد در خودش خلاصه می‌شود، اما افرادی که در پی سود رسانی هستند، سودشان به دیگران نیز می‌رسد و این دو تفاوت بسیاری باهم دارند. بنابراین می‌گویند: برتری عالم بر عابد، همانند برتری ماه بر سایر سیاره‌ها است. هم‌چنین می‌گویند: پیامبر خدا (ص) به علی ابن ابی‌طالب گفته است: «لان یهدی الله بک رجلاً واحداً خیر لک من حمر النعم». «اگر خداوند کسی را به وسیله‌ی تو هدایت نماید، از شتران سرخ رنگ برای تو بهتر است.» این برتری به سبب آن است که سودش به دیگران نیز می‌رسد و به این حدیث پیامبر (ص) استناد می‌کنند: «من دعا إلی هدی کان له من الأجر مثل أجر من اتبعه من غیر أن ینقص من أجورهم شیء». «هر کس که دیگران را به سوی هدایت فراخواند، پاداشی

همانند کسانی خواهد داشت که از او پیروی کنند، بدون اینکه از اجر و پاداش آنان کاسته شود.»

گروه چهارم: می‌گویند: بهترین عبادت عبارت است از: تلاش برای کسب رضایت و خشنودی پرورگار در هر زمانی با چیزی که مقتضای آن وقت و زمان است؛ یعنی بهترین عبادت به هنگام جهاد، جهاد است، اگرچه به ترک ذکر، اوراد، نماز شب و روزه‌های مستحب منجر شود، حتی اگر سبب آن شود که نمازهای واجب به صورت کامل خود که در هنگام صلح و آرامش هستند، ادا نشوند. هم‌چنین بهترین کار به هنگام آمدن مهمان، پذیرایی از او و موقتاً فرو گذاشتن اوراد مستحب و حقوق افراد خانواده جهت رفاه حال مهمان می‌باشد. بهترین عبادت به هنگام سحر نیز پرداختن به نماز، تلاوت قرآن، دعا، ذکر و استغفار است. بهترین عبادت به هنگام راهنمایی و آموزش طالبان علم، و روی آوردن و پرداختن به آموزش آنهاست. بهترین عبادت به هنگام اذان نیز ترک ذکر و اوراد و لبیک گفتن به فراخوان اذان است. بهترین عبادت به هنگام نمازهای پنجگانه، تلاش و توصیه به ادا نمودن آنها در اول وقت با بهترین کیفیت و شکل ممکن و رفتن به مسجد است که هرچه دورتر باشد، بهتر است. بهترین عبادت هنگامی که کسی به کمک مالی، معنوی و جسمی نیازمند است، یاری رساندن به او و برآورده ساختن نیازمندی او و ترجیح دادن آن بر اوراد و گوشه‌نشینی است.

بهترین عبادت به هنگام تلاوت قرآن، متمرکز نمودن ذهن و قلب برای درک معنی و مفهوم آن است، به شیوه‌ای که گویی خداوند با تو سخن می‌گوید. پس تمرکز قلب و هوش بر فهم و تدبر قرآن و عزم و اراده بر اجرای دستورات و تعالیمش بسی بزرگ‌تر و مهم‌تر از تمرکز کسی است که نامه‌ی پادشاهی به دستش می‌رسد. بهترین عبادت به هنگام ایستادن در عرفه نیز تضرع، زاری و دعا به درگاه پروردگار و ذکر اوست، بدون روزه‌ای که سبب کاسته شدن توان شخص در انجام این عبادات باشد. بهترین کار در دهه‌ی اول ماه ذی‌الحجه نیز عبادت بسیار؛ به ویژه: تکبیر، تهلیل و تحمید است که این بهتر از جهاد مستحب است.

بهترین عبادت در دهه‌ی آخر ماه مبارک رمضان نیز خلوت گزیدن در مسجد و اعتکاف در آن بدون معاشرت با مردم است. حتی بسیاری از علما آن را بهتر از آموزش و تدریس قرآن دانسته‌اند. بهترین عبادت به هنگام بیماری یا مرگ یکی از افراد جامعه، عبادت از او و شرکت در تشییع جنازه و خاکسپاری اوست. بهترین عبادت نیز به هنگام بلا و مصیبت و آزار و اذیت دیدن از دست مردم، صبر و شکیبایی و معاشرت با آنان و نگریختن از میان آنان است. زیرا مؤمنی که با مردم معاشرت می‌کند و بر آزار و اذیت آنان صبر می‌کند، بهتر از کسی است که با مردم نشست و برخاست ندارد و مورد آزار و اذیت آنان قرار نمی‌گیرد. در کارهای خیر، معاشرت با مردم بهتر از دوری گزیدن از آنان و در کارهای شر دوری گزیدن از آنان بهتر از معاشرت با آنان است. اگر شخصی بداند که معاشرت با مردم سبب از میان بردن شر و بدی و یا کاستن از آن می‌شود، معاشرت با آنان بهتر از کناره‌گیری خواهد بود.

پس بهترین کار در هر زمان و شرایطی، ترجیح دادن رضایت و خشنودی پروردگار بر هر چیز دیگری و پرداختن به واجبات و مقتضیات آن اوضاع و احوال است.

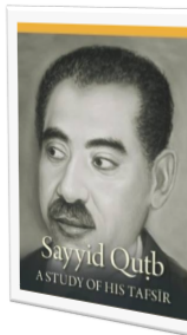
منبع: مدارج السالکین / مؤلف: امام ابن القیم الجوزیه / مترجم: محمد حسین احمدی تبار / نشر آراس

کاروان دعوت

کاروان دعوت به سوی خداوند، ریشه در زمان‌های قدیم دارد، دره‌های زرف زمان را درنور دیده است... در مسیری پایدار با گام‌های استوار در گذر است... در راه با انواع گناهکاران روبه‌رو شده است؛ رهبران و پیروان گمراه آن‌ها در مقابل آن ایستادگی کرده‌اند.

دعوت شدگان دچار آزار و شکنجه شده و در این راه خون‌های بسیاری ریخته و جسم‌هایی تکه‌تکه شده است. اما کاروان نه از راه خود بازگشته و نه منحرف شده است... عاقبت از آن اوست، هر چند که زمان به درازا بکشد و راه طولانی شود...

یاری خداوند همیشه در نهایت راه در انتظار کاروان است.



میانه روی چیست ؟ معنا و مفهوم میانه روی

نویسنده : استاد عبدالله بن شیخ محفوظ بن یتیه

میانه روی چیست؟

میانه روی یعنی توازن، برابری و تعادل میان ثبات و تغییر، میان جنبش و ایستایی.

میانه روی هم به موقع از رخصت ها بهره می برد و هم به واجبات و فرایض دینی عمل می کند. میانه روی ثابت ها را اجرا می کند و از متغیرها چشم نمی پوشد. میانه روی وضعیت و حال افراد و انواع را رعایت می کند. میانه روی گر چه ارزش زمان را می داند ولی همواره آن را حاکم نمی گرداند. میانه روی همسان ها و ناهمسان ها را از هم جدا می کند. تا به نیازها، مصلحت ها، خواسته های عمومی، فراوانی مشقت و سختی پرهیز عمل گردد. میانه روی یعنی مقایسه ی کلی و جزئی، تعادل میان مقاصد و فروع، و پیوند درست بین متون و مصلحت های معتبر در فتوا و دیدگاه، نه کم و نه بسیار. در عمل با میانه روی می خواهیم نسلی پرورش یابد که در گذشته اش ریشه داشته باشد، با زمان هماهنگ باشد و با دیگران با گذشت و تسامح رفتار کند و نیز شجاع باشد، نمی خواهیم جوانان ما حیواناتی وحشی و درنده باشند. نسلی می خواهیم که روشن اندیش، آسان گیر، با عزت و بزرگ منش باشند.

برای روشن تر شدن مفهوم میانه روی در فتوا از کتاب «الموافقات» امام شاطبی استدلال میاوریم: فتوا دهنده ی به اوج رسیده و توانمند کسی است که مردم را به دیدگاه های میانه نزدیک می کند، در فتوایش نه سخت گیری می کند و نه آسان گیری بیش از حد، چون شریعت یک راه راست است. و پیش تر گفتیم که شریعت از فرد می خواهد میانه رو باشد و از زیاده روی یا کوتاهی بگریزد. پس اگر فتوا دهنده میانه رو نباشد از اهداف شریعت دور شده است و مذهبی که از میانه روی دور گردد نزد دانشمندان ناپسند و مذموم است.

رسول الله (ص) و یاران بزرگوارش همواره به میانه روی گرایش داشته و تک روی و سخت گیری را مردود دانسته اند. ایشان هنگامی که معاذ امامت نماز را به درازا کشاند فرمود: «آیا تو فتنه گری ای معاذ؟» و فرموده: «برخی تنفر ایجاد می کنند و گفته است: «درست عمل کنید و به ملاک های شرعی نزدیک شوید، از صبحگاهان و شامگاهان و پاره ای از تاریکی شب برای عبادت کمک گیرید، میانه رو باشید، میانه رو باشید تا به مقصد برسید.» و فرمود: «به اندازه ی توان عمل کنید تا شما خسته نشوید، خداوند خسته نمی شود» و می گوید: «بهترین کارها نزد خدا آن است که فرد پیوسته آن را انجام دهد، گرچه اندک هم باشد.

گرایش به یک سو، بیرون شدن از تعادل است و به سود مردم نیست، زیرا اگر به سوی سخت گیری رود نابودی به بار می آورد و اگر به سمت آسان گیری زیاد رود باز هم نابودی در پی دارد. اگر مردم را در تنگنا و دشواری اندازیم از دین متنفر شده و از رفتن به سوی خدا و آخرت باز می مانند. و اگر بیش از اندازه آسان بگیریم مردم هواپرست و شهوت ران می شوند. و شریعت آمد تا از هوس باز دارد که پیروی از هوس باعث نابودی است. این موضوع دلایل بسیاری دارد. برای بیان ملاک های میانه روی در فتوا از اصول و قواعدی بهره برده ایم که در مقالات بعدی به آن می پردازیم.

میانه روی یک جایگاه در میان دو جایگاه

میانه روی یک جایگاه در میان دو جایگاه در برداشت از متون و روش تعامل با آنهاست، و یک نگرش در بین دو نگرش متفاوتست: میان ظاهری افراطی و باطنی افراطی. چکیده ی سخن شاطبی در این باره چنین است:

نگرش اول: نگرش ظاهری که به معنا توجه نمی کند، تنها به ظاهر متون بسنده می کند و تمام مقاصد شریعت را در قالب ظاهر الفاظ و متون محدود می نماید.

نگرش دوم: می‌پندارد که مقصد شریعت در ظاهر الفاظ نیست. این را در تمام بخش‌های شریعت سرایت داده و به ظاهر هیچ لفظی چنگ نمی‌زند. اینان باطنی هستند. از این قبیل اند کسانی که در پی معنا بسیار غوطه‌ور می‌شوند و حتی اگر متون شرعی با برداشت آنان مخالف باشد، متن را رها می‌کنند.

نگرش سوم: باید هر دو را معتبر دانست، به روشی که نه معنا به متن خدشه وارد کند و نه برعکس. تا شریعت بر ساختاری بنا گردد که نه در آن اختلاف باشد نه ناسازگاری. این راه را همه‌ی عالمان واقعی و توانا پذیرفته‌اند، پس باید بر این روش بود تا به مقاصد شریعت رسید. در تعامل با مقاصد و اهداف و متون جزئی راه میانه همین است، روش درست میان این دو در حرکت است؛ منزلت کلی را می‌داند و جزئی را در جایش می‌نشانند. شاطبی - رحمه الله علیه - به این دو پرتگاه توجه داشته و از پایمال شدن جزئی هنگام تعامل با کلی و یا روی گردانی از کلی هنگام سر و کار داشتن با جزئی همگان را بیم داده است.

معنی اُمت وسط :

امت وسط امتی است که دارای خصوصیات ذیل می‌باشد .

۱ - مجری برنامه‌ی خدا هستند .

۲ - محترم‌ترین افراد بشر هستند. که با اخلاق عظیم خود آن را ثابت می‌کنند .

۳ - از راه خداوند منحرف نمی‌شوند .

۴ - در رابطه با ملت‌های دیگر با میانه‌روی و قسط و عدل تعامل می‌کنند .

۵ - کارشان ادای حقوق مظلومان است و گیرنده‌ی حق مظلومان از ظالمان هستند .

۶ - تمام امورشان را بر حق و عدالت بنا می‌کنند .





اصحاب ﷺ از دیدگاه

استاد شهید ناصر سبحانی (رح)

اصحاب ﷺ چه کسانی هستند؟

جمع کلمه‌ی صاحب از «صَحَبَ - يَصْحَبُ» بوده و مصدرش «صحبت» می‌باشد و صحبت به معنای همراه کسی بودن در مدت زمانی طولانی است. اصحاب کسانی بودند که همراهی طولانی با پیامبر ﷺ داشتند و سابقین اولین از مهاجرین و انصار، مصداق حقیقی اصحاب هستند.

اصحاب و سایر مردم زمان پیامبر ﷺ:

بر اساس سوره‌ی توبه، در جامعه‌ی اسلامی زمان پیامبر ﷺ، نُه طبقه وجود داشتند: ۱- سابقین اولین انصار ۲- سابقین اولین مهاجر ۳- پیروان شایسته‌ی دو گروه اول ۴- گروهی از منافقین که در حوادث گوناگون، نفاق آن‌ها آشکار شد. ۵- منافقین عشایر و چادر نشین که درجه‌ی کفرشان از دیگر کافران شدیدتر بود. ۶- منافقین شهرنشین که مردّواعلی‌النفاق بودند، و حتی پیامبر خدا ﷺ هم آن‌ها را نشناخته‌است. ۷- مؤسّسین مسجد ضرار و کسانی که به‌وسیله‌ی مؤسّسات دینی، نفاق می‌ورزیدند. ۸- کسانی که هم دارای عمل صالح بودند و هم دارای عمل زشت. «خَلَطُوا عَمَلًا صَالِحًا وَآخَرَ سَيِّئًا» (توبه/۱۰۲)، اگر این افراد توبه کنند، به گروه مؤمنین ملحق می‌شوند. ۹- کسانی که فعلاً موضع خود را روشن ننموده‌اند؛ بنابراین حکمی درباره‌ی آن‌ها صادر نمی‌شود. «مُرْجُونَ لِأَمْرِ اللَّهِ» (توبه/۱۰۶).

مفهوم پیروی از اصحاب ﷺ:

پیروی از صحابه به معنای تبعیت از زندگی جمعی ایشان - که بر اساس اجماع بوده است - می‌باشد نه زندگی فردی ایشان؛ زیرا ایشان در زندگی فردی، دارای خطا و اشتباه بوده‌اند.

موضع ما در برابر معاصی و خطاهای اصحاب :

در برابر معاصی و خطاهای اصحاب می‌توان سه موضع را در پیش گرفت:

- ۱- به آنان توهین کرد که این امر، برخلاف آیه‌ی ۱۰ سوره‌ی حشر است، که می‌فرماید:
 وَالَّذِينَ جَاءُوا مِن بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَؤُوفٌ رَّحِيمٌ ترجمه: کسانی که پس از مهاجرین و انصار به دنیا می‌آیند، می‌گویند: پروردگارا! ما را و برادران ما را که در ایمان آوردن بر ما پیشی گرفته‌اند بیامرز. و کینه‌ای نسبت به مؤمنان در دل‌هایمان جای مده، پروردگارا! تو دارای رأفت و رحمت فراوانی هستی. ۲- کورکورانه از ایشان دفاع کرد و اشتباهاتشان را توجیه نمود، به گونه‌ای که دین، فدای آن‌ها شود. این امر نیز برخلاف آموزه‌های قرآنی است. ۳- وقوع خطا و عصیان از جانب آن‌ها را ممکن بدانیم، اما موضع ما در برابر ایشان، طلب استغفار و عدم کینه‌ورزی باشد. «رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَؤُوفٌ رَّحِيمٌ» (حشر/۱۰)؛ این موضع، مطابق با دستورات قرآن است. البته لازم به ذکر است که تشخیص خطاها و معاصی اصحاب، تنها در صلاحیت خداوند است.

بررسی مسائل در مجرای تاریخی خودش:

در ریشه‌یابی رخدادهای ناگوار زمان صحابه، مانند جنگ اصحاب با هم در جنگ جمل، نباید توطئه‌ی دشمنان درجه اول اسلام (مشرکین، یهود، نصارا، ایران و روم) را از نظر دور داشت؛ زیرا طراح اصلی همه‌ی حوادث ناگوار آن زمان و پس از آن نیز آن‌ها بودند. لازم به یادآوری است که هیچ‌گاه نباید چنین پنداشت که کشتن مسلمانان به دست همدیگر به دلیل اجتهاد اصحاب بوده است؛ زیرا اجتهاد مجتهدین نباید باعث کشته شدن انسان‌ها گردد.

ذکر صلوات پس از نام پیامبر خدا ﷺ و نیز دعای «رضی الله عنه» پس از ذکر نام اصحاب پیامبر، بر اساس آموزه‌های قرآنی انجام می‌گیرد.

چند منظره از مناظر قیامت

نویسنده : عبداللطیف احمد عاشور / مترجم: افضل ده مرد نژاد

منظره اوّل : حال رباخواران

از مناظر جلب توجه کننده و هشدار دهنده روز قیامت، حال و منظره رباخواران است که به صورت دیوانه خواهند بود؛ چنانچه خداوند می‌فرماید: «الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا ... بقره/۲۷۵»

کسانی که ربا می‌خورند (از گورهای خود به هنگام دوباره زنده شدن، یا از مشی اجتماعی خود در دنیا) بر نمی‌خیزند مگر همچون کسی که (بنا به گمان عربها) شیطان او را سخت دچار دیوانگی سازد (و نتواند تعادل خود را حفظ کند)؛ این از آنرو است که ایشان می‌گویند: خرید و فروش نیز مانند ربا است و حال آن که خداوند خرید و فروش را حلال کرده است و ربا را حرام نموده است.

منظره دوّم : حال متکبران

روز قیامت انسان‌های متکبر با ذلت و حقارت مانند مورچه‌های ریز و کوچک به زیر پای انسان‌ها له و خرد می‌شوند و حضرت پیامبر ﷺ می‌فرماید: «الْمُتَكَبِّرُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَالذُّرِّ تَطَوُّهُمْ الْخَلَائِقُ بِالْأَرْيَالِدَامِ» سنن الترمذی انسان‌های متکبر روز قیامت مانند مورچه‌های ضعیف و کوچکی هستند که به زیر پای مخلوقات لگدمال می‌شوند.

منظره سوّم : حالت کسانی که زکات نمی‌دهند.

در صحرای محشر به کسانی که از دادن زکات خودداری می‌کرده‌اند انواع عذاب‌ها قبل از داخل شدن به دوزخ یا بهشت می‌رسد و حضرت رسول اکرم ﷺ می‌فرماید: «مَا مِنْ صَاحِبِ كَنْزٍ لَا يُؤَدِّي زَكَاتَهُ إِلَّا أُحْمِيَ عَلَيْهِ فِي نَارِ جَهَنَّمَ فَيَجْعَلُ صَفَائِحَ فَيَكْوَى بِهَا جَنْبَاهُ وَجَبِينَهُ حَتَّى

يَحْكُمَ اللَّهُ بَيْنَ عِبَادِهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ ثُمَّ يَرَى سَبِيلَهُ إِمَّا إِلَى الْجَنَّةِ وَإِمَّا إِلَى النَّارِ « صحیح مسلم

هر صاحب گنج و خزانه‌ای که زکات آن را ندهد، در روز قیامت آن گنج داغ می‌شود و از آن لوحه‌های آهنین ساخته می‌شود و پهلوها و پیشانی‌اش با آن داغ می‌شود و وقتی که خداوند بین بندگان حساب و کتاب برقرار نماید - در روزی که اندازه‌اش پنجاه هزار سال است - سپس راهش به بهشت یا دوزخ نشان داده می‌شود.

منظره چهارم : عذاب شخص زناکار در قبر

برای کسانی که حرام خدا را حلال تصور می‌کنند و آن چیزهایی را که خداوند حرام گردانیده است، مرتکب می‌شوند حضرت پیامبر ﷺ در جزیی از حدیث سمره بن جندب ؓ می‌فرماید: «... فَأَنْطَلَقْنَا فَأَتَيْنَا عَلَى مِثْلِ التَّنُورِ قَالَ فَأَحْسِبُ أَنَّهُ كَانَ يَقُولُ فَإِذَا فِيهِ لَعَطٌ وَأَصْوَاتٌ قَالَ فَاطْلَعْنَا فِيهِ فَإِذَا فِيهِ رِجَالٌ وَنِسَاءٌ عُرَاءٌ وَإِذَا هُمْ يَأْتِيهِمْ لَهَبٌ مِنْ أَسْفَلٍ مِنْهُمْ فَإِذَا أَتَاهُمْ ذَلِكَ اللَّهَبُ ضَوْضَوْا».

پس رفتیم و به چیزی شبیه تنور رسیدیم. گمان می‌کنم که ایشان فرمودند: در آن سر و صدای نامفهومی بود. پس اطلاع یافتیم که در آن تنور مردان و زنان برهنه هستند و از پایین شعله‌ای به سوی آنان حمله می‌کرد و وقتی که آن شعله به آنان می‌رسید سر و صدا به پا می‌کردند. این سرانجام زناکاران است و حضرت پیامبر ﷺ در آخر حدیث، این را مشخص فرموده‌اند: «آن مردان و زنان برهنه در تنور، زناکاران بودند».

پنج سؤال اساسی روز قیامت

روز قیامت از هر انسانی درمورد پنج چیز سؤال می‌شود: که حضرت پیامبر ﷺ در حدیث بیان می‌فرماید: « لَا تَزُولُ قَدَمُ ابْنِ آدَمَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنْ عِنْدِ رَبِّهِ حَتَّى يُسْأَلَ عَنْ خَمْسٍ، عَنْ عُمْرِهِ فِيْمَ أَفْنَاهُ وَعَنْ شَبَابِهِ فِيْمَ أَبْلَاهُ وَمَالِهِ مِنْ أَيْنَ اكْتَسَبَهُ وَفِيمَ أَنْفَقَهُ وَمَاذَا عَمِلَ فِيْمَا عَلِمَ». سنن

پای فرزند آدم از نزد پروردگار تکان نخواهد خورد تا این که از وی پنج سؤال پرسیده شود:

- ۱- از عمرش که آن را در چه راهی و در چه چیزی صرف کرده است.
- ۲- از جوانی اش که در چه راهی و چه چیزی کهنه اش ساخته است.
- ۳- از مالش که از چه راهی به دست آورده است.
- ۴- مالش را در چه راهی خرج نموده است.
- ۵- و از علمش، که با آموخته اش چه کاری انجام داده است.

موناجاتی ماموستای خوالی خوشبوو ماموستا عه بدولانه حمه دیان

خواهیه!

سوپاسی تو ده که م

په نایه هه ر بو تو ده به م

هه ر به تویه:

مان و ژینم، هیز و تینم

شادی و شینم، دنیا و دینم

له تو رایه:

قه در و ریزم، تین و هیزم

هه نس و که وتم، مان و فه وتم

خیر و بیزم، خوشی و خیرم

چاکیم، پاکیم، دل رووناکیم

تو مه یلت بی:

سازم، ساغم، زور بوشناغم

به رچاو پروون و به ده ماغم

تیر و ته سه لم، دوور له زه لم

سه رکه وتووی که لم، ویستووی که لم





کاک احمد مفتی زاده (رح)

❖ ما « محک » نیستیم برای ارزیابی دیگران تا اگر موافق ما باشند خوب و اگر مخالف ما باشند بد باشند. از این خصلت‌های خودپرستانه و شرک آلود خود را برهانید اگر کسی دیگر، دچار چنین اشتباهی شد شما حذر کنید.

❖ علت دردها و مشکلات انسان، ضعف فرهنگی، علمی، کمبود کتاب و کمبود آموزش‌های اخلاقی نیست بلکه علت اصلی آن عدم وجود تزکیه می‌باشد فقط از دین بر می‌آید زیرا همزمان ذهن و قلب انسان را پرورش می‌دهد.

❖ اساسی‌ترین مسئله برای هر مسلمان در هر شرایط و وضعیت که پیش و بیش از هر چیز مراقب درون و نفس خود باشد زیرا در اسلام اصلاح ضمیر دشمن (شیطان) و بستن راههای نفوذش در دنیای پیچیده درون جهاد اکبر است و پایه و اساسی است برای جهاد اصغر یعنی شکست دشمن در دنیای بیرون که بالتبع ساده‌تر از جهاد دنیای درون است.

❖ تنها عامل بدبختیهای مسلمانان بیگانه شدن از قرآن بود. و اکنون نیز تنها وسیله آگاه شدن و خوشبختی و رستگاری مسلمانان و رهایی از بند اسارت جهان‌خواران و دامهای تزویرشان فقط بازگشت به سوی قرآن است و جز این راهی درست و مستقیم وجود ندارد.

❖ کسی نزد خدا محبوب‌تر است که به خاطر رضای خدا با خدمت به دین و بندگانش تحمل و گذشتش بیشتر باشد حتی نسبت به اشتباهات و خطاهای مسلم دیگران.

❖ در تبلیغ دین، علاقه به هدایت و خوشبختی مردم، اساس کار است.

❖ به اقتضای دو اصل « إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ » و « لَا يَوْمَنُ أَحَدُكُمْ حَتَّى يَحِبَّ لِأَخِيهِ مَا يَحِبُّ لِنَفْسِهِ » مکلفیم هر آنچه برای خود دوست داریم و می‌پسندیم برای همه مسلمانان بدون استثناء دوست داشته باشیم.

❖ توجه داشته باشید طُرق وسوسه شیطان، متغیر است. اگر کسی، در مورد بعضی از محرّمات، به درجه‌ی «اطمینان نفس» رسید، گمان نکند که: دیگر، بر نفس خود، در آن موضوع تسلّط کامل یافته؛ چنانکه در هیچ شرایطی، دچار تزلزل نگردد. حتّی اگر در آن موضوع، حصار تقوی را، گرداگرد خود بکشیم، ممکن است: همین «گمان حصول اطمینان نفس» بزرگترین شکافی گردد که شیطان، از آن، سمّ کشنده‌ی «عجب» را، بر قلوبمان پاشد؛ که این خود، از اصل همان گناه، زیانبار است.

❖ «خیر النَّاسَ أَنْفَعُهُم لِلنَّاسِ» خدمت به خلق از آثار تقوا می‌باشد اما به شرطی که: _ همراه با تواضع باشد. _ بدون توقع مادی و معنوی باشد. _ با تحمّل صمیمانه و آسان انتقادات و توقعات دیگران همراه باشد. _ در صورت بروز هرگونه قصور یا تقصیر، صمیمانه به آن اعتراف نموده و از آن متأثر شوید نه اینکه به توجیه و عذرتراشی و تهمت زدن به دیگران متوسل شوید.

❖ با توجه به نصِّ إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلَحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ قصور از این دو وظیفه) که صورت‌های اجرایی گوناگون و فراوانی دارند (عصیان است: اوّل _ جدّ و جهدی صادقانه و پیگیر بر اساس روش اسلامی برای رفع کدورت‌ها و بیگانگی‌ها ... دوّم _ کوشش برای شرایطی که دانشمندان همه ی فرق اسلامی با صمیمیت و شوق ایمانی، به بررسی یک یک مسائل بپردازند. تا اَمّت اسلامی و دین زنده شوند.

❖ هر گاه اراده ی کار خیر کردی ، در آن تعجیل کن، مبادا رغبات نفس و وسوسه های شیطان پشیمانت کنند، و هرگاه اراده ی کار شرّ کردی ، تأخیر کن و به یاد خدا و آخرت بیافت ، به یاد عهدی که بر پیمودن راه پاکان بسته ای ... و به یاد لحظه ای که مهلت یک نفس کشیدن را هم نداری . و چه بسا این سررسید مهلت در همان لحظه ی ارتکاب شرّ فرا رسد ! پناه بر خدا از این شرمساری !

❖ زندگی درونی و بیرونی تان چنان زیبا و محبوب خدا باشد که لحظه ی مرگ مبارکترین و خوشترین لحظه های حیات تان باشد .

فتنه‌ها .. به سود چه کسی؟!

نویسنده: دکتر طه جابر العلوانی

هنگامی که از برخی مردم پیرامون اوضاع کشورهای عراق، سوریه، یمن، لیبی، سومالی، پاکستان، افغانستان و ... سؤال شود، پاسخ دو کلمه است: «هرج و مرج عمدی» که کسینجر آن را طراحی کرده و کاندولیزا رایس اجرا نموده است. به نظر اینان باید همیشه در منطقه‌ی عربی و ژرفنای استراتژیک اسلامی آن هرج و مرج خلاقانه باشد. معنای هرج و مرج روشن است و خلاقانه و عمدی هم یعنی چیزهایی آفریده شود و طبق آن اموری به وجود بیاید و چیزهایی پنهان نگه داشته شود و اموری علنی گردد. آن‌گاه افراد سودجو می‌آیند و نتایج حاصل از هرج و مرج را برای خویش می‌برند که ممکن است طلا باشد یا معادن اشیای نفیس، یا گاهی ممکن است مار بیرون بیاید یا کف و اشیای بیهوده و بی ارزش سربرآورد، گاهی اشیای سودمند و گاهی چیزهای مضر می‌یابند .

کسی که باعث ایجاد هرج و مرج عمدی شده است تا از آن بهره‌برد، یا یک انسان است که در پی منافع خویش بوده است، ولی چون اوضاع عادی بود، ترسید که نگهبانان یا صاحبان خانه بیدار گردند و او مجبور باشد هزینه‌ی گزاف یا ارزانی را پردازد، لذا عمدا در پی ایجاد آشوب و تنش سازمان‌یافته برمی‌آید و نمی‌گذارد صاحبان خانه مقاومت کنند، زیرا همه‌ی ایشان را مشغول می‌کند و تلاش‌های‌شان را پراکنده می‌سازد. در عین حال که او فرصت کافی به دست می‌آورد تا آن‌چه را می‌خواهد برگیرد یا آن‌چه را دوست دارد، برگزیند و با خود بدون هیچ هزینه‌ای ببرد .

از زمانی که غرب بر کشورهای ما چیرگی یافته است، ما را در آشوب‌های گوناگون و با نام‌ها و عوامل مختلف قرار داده است؛ تنش‌هایی که او انتخاب و فراهم می‌کند و ما اجرا می‌نماییم. ولی باید بدانیم چه کسانی در ترویج هرج و مرج تحت عناوین گوناگون همکاری می‌کنند؛ عمدی، اتفاقی، تنش‌زا یا پرهیاو. ما خودمان هرگاه غرب بخواهد در ایجاد، تدبیر و انفجار آشوب او را یاری می‌کنیم، آن هم با کودنی، آمادگی و شایستگی‌ای که برای

استعمار و استعمار داریم و طبق مدلی که او خواسته است، آن را اجرا می‌نمایم. آنان چشمانی خیره و کمرهایی آماده دیده‌اند که هرگاه خواستند بهره می‌برند. و اگر قابلیت استعماری و استعماری ما نبود، این مسیر برای ایشان فراهم و آماده نبود .

نیاز داریم دوباره این پرسش را بپرسیم: **چه کسی بهره می‌برد؟** اکنون پیش روی خویش همه‌ی احتمالات و فرضیه‌ها را می‌گذاریم، پیوسته می‌اندیشیم، حذف می‌کنیم، و به مقتضای دلائل و قراین باقی می‌گذاریم، آن‌چه را مستحق حذف است، کنار می‌زنیم و آن‌چه را احتمالاً مؤثر باشد، باقی می‌گذاریم، همین‌گونه ادامه می‌دهیم و غریب می‌کنیم تا استفاده کنندگان در دو، سه یا چهار گروه محدود شوند. تا سرانجام بگوییم این فرد مستفید می‌شود، و این فرد دشمن است و باید از آن بپرهیزیم. هرگاه این پرسش مطرح می‌شود، باید چهار سؤال دیگر هم در کنارش طرح گردد: استفاده چیست؟ از چه چیزی؟ چرا چنین می‌کنند؟ و چگونه آن را در مقابل ما انجام می‌دهند؟

مثلاً در **عراق** چه کسی از این همه مسائل بهره می‌برد؟ از آغاز سده‌ی پیشین و تا امروز چه کسی این همه مشکل برای عراق و عراقی‌ها ایجاد کرده است؟ و این مشکل چیست؟ چرا و چگونه انجام گرفته است؟ آن‌گاه می‌توانیم فرد بهره‌مند را بشناسیم، خواه مستقیم و رودررو باشد یا از فحواى سخن و چهره یا آثار و تاریخ یا نشانه‌هایی که دال بر این موضوع است .

در **افغانستان**، جیبوتی، سومالی، سوریه، پاکستان، یمن، لیبی، داعش و القاعده نیز چنین است.. از اوضاع سوریه چه کسی بهره می‌برد؟ از یمن چه کسی استفاده می‌نماید؟ از القاعده چه کسی سود می‌جوید؟ از داعش چه کسی بهره‌مند می‌گردد؟ بدون ورود به هیچ یک از جزئیات، چه کسی از این رویدادها بهره می‌برد؟

اگر بتوانیم چنین کنیم شاید توانسته باشیم حتی پس از مدتی به عقلانیتی برسیم که اهل تشخیص و فهم عمیق است و می‌تواند رخدادها را پیگیری نماید، سازندگان را بشناسد، ریشه‌ها را دریابد و ببیند چگونه آنان می‌توانند استعداد، توانایی، فرهنگ، تاریخ، دین و آداب ملت‌ها را به کار گیرند و به راحتی بتوانند با سرنوشت ایشان بازی نمایند و میان‌شان

فرهنگی به وجود بیاورند که نزدیک به فرهنگ «مرگ بر فلان و زنده باد فلان» است. اگر یک فرد شیعی در عراق از خودش پرسد وقتی من برادر سنی‌ام را می‌کشم یا خانه‌اش را آتش می‌زنم، چه کسی سود می‌برد؟ اگر فرد سنی نیز همین سؤال را بپرسد که چه کسی از کشتن برادر شیعه‌ام یا ویرانی منزلش بهره می‌برد؟

اگر همین پرسش‌ها را ادامه بدهد، تا ماهیت افراد بهره‌مند را بشناسد و این که از چه چیزی بهره می‌برند و چرا بحران می‌آفرینند؟ برای در آغوش گرفتن برادرش به پاخواهد خاست، چون به اشتباهش پی می‌برد و می‌داند که با توطئه‌ی سودجویان، بسیار از مقصد دور شده و از دشمن واقعی غافل گردیده است و به او فرصتی داده‌اند تا هر چه را می‌خواهد بردارد و غنایمیش را آرام و در امنیت کامل برگیرد. فرد بهره‌مند خون خویش را با ارزش می‌داند و تمام یک ملت مثل عراق یا سوریه را در مقابل چند نفر از فرزندان خود، بی‌ارزش می‌بیند. بدین سبب سربازگیری و آماده‌سازی مزدوران و محور قراردادن افراد خاص را اختراع کردند و هواپیماهای بدون سرنشین را ساخته‌اند تا هر جا را می‌خواهند بکوبند و هر گاه خواستند در هوا به پرواز درآیند. اگر سقوط کردند، فقط یک زیان مالی به ایشان رسیده که در برابر فوایدی که به دست آورده‌اند، یا در سایه‌ی هرج و مرج رایج، بدون توجه به اسامی و القاب، ناچیز است.

ای مردم، بگذارید بارها و بارها این موارد را بپرسیم تا سودجو را بیاییم. نباید اوقات گران‌بهای خود را صرف آن تحلیلات گمراه شده و گمراه کننده نماییم که هیچ سودی ندارد و باعث بیدارگری نشده و چیزی را محقق نمی‌گرداند. اگر خواستید چند هفته یا یک ماه این را تجربه کنید تا هراس فاجعه را احساس نمایید. بهره‌مند امروز همانند بهره‌مند دیروز در جنگ بدر است: «وَإِذْ زَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ وَقَالَ لَا غَالِبَ لَكُمْ الْيَوْمَ مِنَ النَّاسِ وَإِنِّي جَارٌ لَّكُمْ فَلَمَّا تَرَأَتِ الْفُتَّانَ نَكَصَ عَلَى عَقَبَيْهِ وَقَالَ إِنِّي بَرِيءٌ مِّنْكُمْ إِنِّي أَرَىٰ مَا لَا تَرَوْنَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ وَاللَّهُ شَدِيدُ الْعِقَابِ» (انفال/ ۴۸) (و آن گاه که شیطان، کارهای‌شان را برای‌شان آراست و گفت امروز کسی از مردم بر شما چیرگی ندارد و من پناه شما هستم. وقتی دو

گروه رو در رو قرار گرفتند، به عقبش برگشت و گفت به یقین من از شما بیزارم، من چیزی می بینم که شما نمی بینید. من از خدا می ترسم. و خدا به سختی کیفر می دهد)

سودجو می کوشد با نمادهای گوناگونی ظاهر شود و مدعی صداقت و اخلاص می گردد، در حالی که نه صادق است و نه مخلص. تمام هدفش این است که ما را به نبرد با یکدیگر بکشانند، و سپس خود را از صحنه بیرون می کشد تا منافع و غنایم حاصل از رویداد را جمع کند. شیاطین انسی را می بینیم که با شیاطین جنی همکاری می کنند. شیاطین انس و جن، سخنان به ظاهر آراسته را برای فریب به یکدیگر وحی می کنند. و کسانی هم به آنان گوش می دهند و تأثیر می پذیرند و پشت سرشان حرکت می نمایند، بدون این که از خویش این سؤالات را بپرسند و بدانند چه کسی بهره می برد، حقیقت ماجرا چیست، چه استفاده ای می نمایند، و چرا چنین شده و چگونه به این جا رسیده است؟ اینان به سوی پرتگاه می روند و خود را ویران می نمایند، ولی شیاطین انس و جن خود را کنار می کشند. «وَقَالَ الشَّيْطَانُ لَمَّا قُضِيَ الْأَمْرُ إِنَّ اللَّهَ وَعَدَكُمْ وَعَدَ الْحَقَّ وَوَعَدْتُكُمْ فَأَخْلَفْتُكُمْ...» (ابراهیم/۲۲) (و هنگامی که کار تمام شد، شیطان گفت به یقین خدا شما را وعده ای حقیقی داد و من هم وعده دادم، ولی خلاف وعده کردم...)».

• **مسلمان باید هوشیار و آگاه باشد و گول تحلیلات غول رسانه ای را نخورد .**

ایجاد صلح جهانی از کسانی ساخته است که با درون خود صلح نموده باشند . و تنها در این صورت است که از توانائی ایجاد صلح در خانواده، مجتمع و جوامع بین المللی برخوردار خواهند بود.

www.eslahe.com



تأثیر نماز در ساختار جوانان و موانع و آفات بی‌تأثیر کردن نماز

نویسنده: سیف‌الله رحیمی

یکی از روان‌شناسان معروف غرب دکتر «مای لی در اهمیت این دوره از عمر چنین می‌گوید (در نوجوانی مسأله شخصیت و هویت با شدت تمام از نو وارد میدان می‌شود پس نوجوانی و جوانی یکی از مراحل و مراتب بارور هستی است که طی آن ساختهای قطعی شخصیت و هویت بزرگسال تثبیت شده یا دوباره مطرح می‌گردند. (کتاب شخصیت نوشته دکتر مای لی ترجمه دکتر محمود منصور ص ۱۲۰)

نسل جوان تنها قشر منحصر به فردی است که بیشترین روحیه تأثیر پذیری را داراست. روح ظریف و با قداست، احساسات پاک و با لطافت، عواطف زلال و با صداقت جوان را چون گلی شکفته و با طراوت نموده است که بیشترین تأثیر پذیری را برای پژمرده شدن داراست . بنابراین جوانی با نوعی اثر پذیری روحی و حالات انفعالی و تشویقات ذهنی همراه و آمیخته است. که کمتر صبغه و رنگ عقلی و استدلالی دارد .

احادیث و روایات متعددی حکایت از اهمیت دادن به دوران جوانی و این مقطع حساس دارد. پیامبر اکرم فرمود (اغتم خمس قبل خمس) که یکی از این موارد غنیمت بشمار جوانی را قبل از پیری، و از نظر تاریخی هم به خوبی به این نکته پی می‌بریم که ورود فرهنگ مخالف اسلام و بیگانگان از طریق قشر آسیب پذیر جامعه یعنی جوانان بوده، سقوط اسلام در اندلس (اسپانیای فعلی) و یا سلطه غرب به مسلمانان الجزایر بهترین نمونه تاریخی است . فقدان پناهگاه دائمی و مستحکم باعث ایجاد مشکلات و معضلات روحی و روانی و اضطرابات درونی و تشویقات ذهنی در میان جوانان گردیده است و هویت و شخصیت او را در معرض خطر قرار می‌دهد .

صاحب نظران و کارشناسان روان‌شناسی هر کدام برای خاموش کردن آتش احساسات درونی و یا حداقل کاستن شعله آن نسخه‌هایی را تجویز کرده‌اند .

جوان هم در طول دوران جوانی به منظور تسکین تلاطمات احساسات امور زیادی را تجربه می‌کند و بعد از گذراندن تجربیات عملی به پوچی و بی‌پایگی بسیاری از مأمّن‌هایی که بدان پناه آورده پی می‌برد .

در قرآن به مسلمانان تعلیم داده شده که قرآن شفای همه امراض قلبی انسانهاست (قد جاء تکم موعظه من ربکم و شفاء لما فی الصدور) (اندرزی از سوی پروردگارتان برای شما آمد و درمان آنچه که در سینه هاست (سوره یونس آیه ۵۷). و نیز در همین دین تاکید شده که اطمینان قلبی شما انسان‌ها در گرو یاد الهی است. (الا بذکر الله تطمئن القلوب) (آگاه باشید که با ذکر و یاد خدا دل‌ها آرامش می‌یابد) (سوره رعد آیه ۲۸)

پس تنها ملجأ و مأوی واقعی اتصال قلوب به عالم لاهوت و سپردن دل به دست صاحب‌دل و توجه کامل به خالق قادر است تا اینکه خود را بدان وابسته بیند و از غیر او دل برکند و هدایت خویش را در عمل به دستورات و تعلیم او بداند و تعدیل شخصیت و تکمیل انسانیت خود را در انس و آشنایی با تعلیم قرآن و دستورات اسلام جستجو نماید .

نماز بارزترین و برترین مصداق ذکر خداست. در حال قیام به نماز نفس آدمی در اثر توجه به مبدء اعلی و خالق یکتا از اضطراب درونی دور شده و سختی‌ها و ناملایمات را از یاد می‌برد. بنابراین با یقین کامل می‌توان گفت: که یاد خدا آرام بخش دل‌ها از همه یأس‌ها و ناآرامی‌ها بوده و نماز روشن‌ترین مصداق از ذکر الهی است .

نماز عامل بازدارنده از همه لغزش‌ها و تنها تکیه‌گاه امن و مأمّن مستحکم برای انسان‌ها خصوصاً جوانان است. و به همین دلیل است که در قرآن کمتر عبادتی چون نماز مورد

اهمیت قرار گرفته است تا آنجا که حدود صدو چهارده مورد این کلمه در قرآن ذکر شده و در پانزده مورد به آن امر شده است .

اما با این توصیف که نماز ذکر الهی است که عامل بازدارنده دارد و خداوند هم در سوره عنکبوت آیه ۴۵ می‌فرماید (ان الصلاه تنهى عن الفحشاء والمنکر) (همانا نماز از فحشا و زشتی دور می‌کند) پس چرا بسیاری از افراد نماز می‌خوانند ولی دامن آن‌ها به گناهان آلوده است و اگر آثار نماز، نورانیت قلب و طهارت باطن باشد، چگونه قلب پاک و طاهر آلودگی و پلیدی پذیر است . برای پاسخ به این سوال باید گفت: **که موانع و آفات متعددی وجود دارد که در بی تأثیر کردن عبادات بخصوص نماز نقش بسزایی دارد.** جوانان می‌بایست نخست این آسیب‌ها و آفات را شناسایی کرده تا در زندگی و حیات خویش آثار نماز را لمس کنند. که مهم‌ترین آن عبارتند از :

(۱) **اکتفا به صورت و ظاهر نماز :** مفهوم نماز و حقیقت آن در ظاهرش خلاصه نمی‌شود و می‌بایست معرفت عقلی و قلبی به اذکار، روح و حقیقت نماز پیدا کرد . حقیقت نماز بسی گسترده‌تر از تصور عده‌ای است که آن را در حرکات ظاهری محدود دانسته و به همان هیأت صوری تمسک و تثبیت جسته‌اند. حضور قلب، فهم معنای اذکار، تعلیم در مقابل عظمت الهی، امیدواری از ایزد منان از مفاهیم باطنی است . آنچه به نماز معنی می‌بخشد حرکات ظاهری آن نیست بلکه روح نماز است که فرد نمازگزار را تعالی و کمال می‌بخشد و نماز همچون بقیه عبادات دارای قشر، پوست و صورت و مغز است .

(۲) **عدم اخلاص و حضور قلب :** یکی دیگر از عواملی که موجب می‌شود تا نماز تأثیری در حیات نمازگزار نگذارد فقدان خلوص و نبود حضور قلب و خضوع باطن است .

ملاک و میزان پاداش هر عملی در خلوص و حضور است. حضور قلب یعنی پرستش و عبادات خدا به نحوی که گویا تو او را می‌بینی و قلب تو تجلی‌گاه اوست. نماز بدون

اخلاص و حضور اگرچه از منظر وظیفه دینی فرد رفع تکلیف کرده ولی چنین نمازی محرک انسان در طریق وصول و مسیر عروج نیست . علم و آگاهی برای همگان بخصوص جوانان که دارای قلبی پاک و باطنی صاف می‌باشند لازم است که حضور قلب و اخلاص را که شرط کمال است در نظر بگیرند و برای عروج و صعود به عالم ملکوتی می‌بایست مانع و حجاب را از میان برداشت .

(۳) استخفاف و سبک شمردن نماز : در تعالیم و دستورات دین اسلام اگر خواسته باشیم احکام و تعالیم فردی را طبقه بندی نماییم. نماز در بالاترین مرتبه طولی نسبت به سایر احکام قرار دارد. مسلم است که در مقام انجام عمل به هر یک از دستورات الهی باید به جایگاه آن توجه کامل به عمل آید. چون که آثار و برکات وجودی هر یک از آن‌ها بنابر اهمیتی است که شارع در نظر داشته است و سبک شمردن حکمی از احکام دین به این معناست که آن اهمیت الهی را بکاهیم. حال این کاستن می‌تواند شامل محافظت نکردن و مراقبت نداشتن آن به وقت خاص خودش و یا ترجیح امور غیر ضروری بر آن و یا غیره باشد. همه این امور به تضعیف و یا تضعیف حکم الهی می‌انجامد، که مانع برکات و اثرات آن حکم در زندگی خواهد بود .

(۴) عدم مداومت در نماز : فلسفه اینکه خداوند برای نماز اوقات پراکنده‌ای را تعیین فرموده این است که سرگرمی انسان به امور دنیوی و امرار معیشت او را از تأمل و تفکر در امور معنوی غافل نسازد. به همین جهت به بنده مومن امر شده که در میان فواصل کارهای دنیوی لحظاتی را به امر معنوی و روحی اختصاص دهد تا فلسفه وجودی خلقتش به فراموشی سپرده نشود . مواردی که بیان شد عمده و موانع اساسی در ظهور برکات نماز بشمار می‌آیند اما عناصری مثل ریا، عجب و خودبینی و گناهان دیگر بسیار مهم می‌باشند .

آیا خشونت سرچشمه دینی دارد؟

گفتگو با ماموستا عبدالعزیز سلیمی، کارشناس مسائل دینی

مصاحبه کنندگان: یسری کریمی و نسیمه امینی

اسلام به ذات خود ندارد عیبی هر عیبی که هست از مسلمانی ماست

اسلام دین رحمت است. دین مودت و دوستی نه تحقیر و توهین و خشونت، اما متأسفانه بسیار دیده ایم و شاهد بوده ایم که به اسم اسلام دست به خشونت و تحقیر و توهین و... زده اند. و بخاطر همین کار نسنجیده و نادرست چهره اسلام را در جهان به گونه ای معرفی کرده اند که نشان دهنده وجود خشونت در آن است. و باعث شده است که اسلام ناب محمدی فراموش شود، اسلامی که خداوند پیامبرش را رحمه للعالمین معرفی کرده است.

در این گفتگو می‌خواهیم در مورد خشونت دینی صحبت کنیم. نوعی از خشونت که دامن گیر اسلام و مسلمانان شده است. تذکر: در این مصاحبه هر جا سخن از خشونت آمد منظور، خشونت با ماهیت دینی است.

۱. خشونت دینی چیست؟

کلمه خشونت واژه ای عربی است و معادل آن در زبان فارسی، زبری و درشتی است و از نظر عرفی و اخلاقی در برابر رفتار محبت آمیز و نرم‌خویی و آرامش قرار دارد. طبیعتاً این روش و رفتار در زندگی انسان مظاهر و نمود هایی دارد که اسباب و عوامل بسیاری زمینه ساز بروز آن می شوند. هر گونه رفتار، گفتار، برخورد و تعامل خارج از چهارچوب رهنمودهای شریعت و ارزش های اخلاقی و قانونی برای تحمیل باورهای خود بر دیگران و برخورد فیزیکی با آنان خشونت تلقی می شود. و خشونت از سوی دولت ها گاهی می تواند اشکال متفاوتی به خود بگیرد، مثلاً ممکن است باعث ترور، زندانی شدن، رفتار های نادرست و اهانت آمیز و... در برخورد با مخالفان بشود.

۲. خشونت با ماهیت دینی، از نگاه دین به چه صورت است؟ آیا دین اینگونه خشونت را نفی می کند؟

با دقت در ریشه واژه های مبنایی و اساسی دین مانند واژه «اسلام و ایمان» متوجه می شویم که این واژه ها و مصطلحات دارای پیام و رسالت بسیار مهمی هستند. اسلام از ریشه «سلم» به معنای صلح و آشتی گرفته شده است، ریشه ایمان نیز از ایجاد امنیت و آرامش می آید، انسانی که ایمان به حقانیت دین اسلام را دارد و رسالتش رسالتی سازنده و سازگار با ساختار و هویت خود می داند مطمئن است که با استفاده از این اصول و مبانی می تواند هم برای خود و هم برای دیگران صلح، امنیت و آرامش ایجاد کند. انسان دین مدار و متعهد به ارزش های ایمانی و آسمانی جز در چهار چوب شریعت و اخلاق و قانون هیچ وقت از رفتار خشونت آمیز استفاده نمی کند. اما شخصی که بی تعهد است و التزامی به دستورات دینی و قوانین اجتماعی ندارد دنبال خواسته های نفسانی خود می افتد و از رفتار نادرست و به تبع آن خشونت استفاده خواهد کرد.

یکی از خصوصیات دین «اعتدال و میانه روی» است یعنی در پیش گرفتن راهکارو رفتاری به دور از افراط و تفریط. عالمان مسلمان معتقدند هر اقدام و روشی که از اعتدال خارج شد و حالت افراطی به خود گرفت اگر چه به نام دین باشد جزو دین به حساب نمی آید. خداوند متعال خطاب به پیامبر بزرگوارش می فرماید: ((وما أرسلناک إلا رحمه للعالمین.)) «ما تو را جز برای مهربانی (و خیرخواهی) با جهانیان نفرستادیم».

در این رابطه از پیامبر روایتی آمده است که: ((أنا انا رحمه مهداه)) «من مهربانی و رحمتی هدیه شده (از سوی خداوند به بشریت) هستم».

همچنین خداوند می فرماید: ((فبما رحمه من الله لنت لهم و لو کنت فضا غلیظ القلب لانفضوا من حولک...)) آل عمران: ۱۵۹ «تو به لطف و رحمت الهی با آنان نرمخو شدی، و اگر درشتخوی و سختدل می بودی بی شک از پیرامون تو پراکنده می شدند».

و در روایت دیگری آمده است که پیامبر فرمودند: ((المسلم من سلم المسلمون من يده و لسانه)) «مسلمان واقعی کسی است که مسلمانان دیگر از دست و زبان او در امان باشند» و همچنین می فرمایند: ((هلك المتنطعون)) «تند روان و افراط کاران هلاک شده اند» و موارد زیاد دیگری که در جای جای قرآن و سنت به مهر و محبت و رفتار مسالمت آمیز اشاره می نمایند.

۳. عمق و شدت خشونت دینی و گستردگی آن از کدام چشمه سیراب می شود؟

ابتدا باید این را یادآور شوم که پدیده خشونت تنها در دین اسلام نمود و ظهور پیدا نکرده بلکه در بقیه ادیان و مکاتب بشری نیز این پدیده وجود داشته و این واقعیتی غیر قابل انکار است. مانند خشونت های پیروان کمونیسم، نازیسم و... و بروز گروه هایی خشنی مانند: کوکلاس کلان ها در آمریکا در دهه ۵۰ و ۶۰ میلادی، ارتش جمهوری خواه ایرلند، ارتش سرخ ژاپن، جدایی طلبان منطقه باسک اسپانیا، و از همه بدتر رژیم صهیونیستی اسرائیل که از سه سازمان خشن و تروریستی هاگانا، اشترن و... شکل گرفته، سرزمین دیگران را غصب نموده، و سی و دو قطعه شورش را به زباله دانی انداخته و در برابر جنایتهايش نه تنها بازخواست نمی شود بلکه مورد حمایت غرب و شرق نیز قرار دارد.

از مهم ترین اسباب خشونت گرایی دینی می توان از قرائت نادرست و افراطی از دین را نام برد، که گاهی فرد یا گروهی به دلیل فهم محدود و ناکارآمد از دین و وجود برخی تفاوت ها در آراء و نظرات در مورد فروع دین، دچار فهم و قرائت افراطی می شوند.

از عوامل دیگری که در هفتاد سال گذشته رسانه های دولتی کشور ها به ویژه خاورمیانه کمتر به آن پرداخته اند، مجموعه ای از عوامل سیاسی مانند خودکامگی حکام و حکومت ها، زندان و بازداشت مخالفان سیاسی، زیر پا نهادن حقوق اقلیت های قومی و مذهبی است که حکومت ها بستر و زمینه آنها را فراهم کرده اند و همین امر باعث شده است گروه ها و جماعت هایی از روش اعتدال خارج شوند، به عنوان مثال در نتیجه رفتار خشونت آمیز و شکنجه هایی که در زندان های مصر در زمان جمال عبدالناصر

اتفاق افتاد این زمینه را فراهم کرد که افکاری مانند «التکفیر و الهجره» درست شوند، و اکنون متأسفانه در بسیاری از کشورها همچنان شاهد این روش های غیر انسانی و غیر اخلاقی هستیم.

از عوامل دیگر می توان به **محیط تعلیم و تربیت** اشاره کرد، فردی که در محیط خانوادگی یا آموزشی با او رفتار خشونت آمیز داشته باشند به مرور زمان روی او تاثیر منفی می گذارد، به عنوان نمونه هنگامی والدین با فرزندانشان رفتار خشن بروز دهند به مرور زمان این رفتار جزو خو و خصلت فرزندشان می شود و اگر مجالی برایش فراهم شود و پست و مقامی را در اختیار بگیرد یا احساس کند از طرف کسی یا جریانی مورد ستم قرار می گیرد آن رفتار خشونت آمیز را که با او شده از خود بروز خواهد داد.

عامل دیگری که می توان به آن اشاره کرد، وجود **استعمار خرنده در بین جوامع اسلامی** است که باعث می شود افراد و گروه هایی برای رهایی از آن به رفتار خشونت آمیز متوسل شوند، هر چند این نوع رفتار خشونت آمیز آنها جز با رعایت شروط و رفع موانع آن مورد تایید عالمان و کارشناسان دین نیست و برخورد با حکومت هایی که در برخورد با مخالفان فکری و قومی و مذهبی خود روش زورگویی و خشونت در پیش می گیرند شرط و شروط خاصی دارد، زیرا بنا بر دیدگاه بسیاری از عالمان رفتار خشونت آمیز با اینچنین حکومت هایی اگر باعث بدتر شدن اوضاع شود مشروع نیست.

۴. آیا جواب خشونت با ماهیت دینی را باید باخشونت داد؟ نظر دین در این رابطه چیست؟

در دین اسلام اصل بر گذشت و آشتی و برادری است، اگر طرف مقابل (که ممکن است گروه، احزاب یا اشخاصی باشند) رفتار ناصحیح از خود بروز دادند مسلمانان موظف و مکلفند از در نصیحت و گفتمان با او وارد شوند. همانگونه که قرآن نیز می فرماید: ((يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَا نُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ ۖ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ)) مائده: ۸۰ ای کسانی که ایمان

آورده‌اید! بسیار قیام کننده برای خوشنودی خدا و شاهدان به عدل و داد باشید. و البته نباید دشمنی عده‌ای شما را بر آن دارد که به عدالت رفتار نکنید. دادگری کنید که به تقوا نزدیک‌تر است، و از خدا بترسید که خدا به آنچه انجام می‌دهید آگاه است.»

رفتار پیامبر (ص) در سیره خود گواه این نوع رفتار است. که در جای جای سیره می‌خوانیم که پیامبر به بهترین شیوه با مخالفان خود برخورد می‌نمودند که این خود راهنمایی است برای مسلمانان که وقتی با خشونت دیگران مواجه شدند پاسخ آنها نیز خشونت آمیز نباشد. همانگونه که قرآن می‌فرماید: «وَلَا تَسْتَوِ الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ» (فصلت: ۳۴) «و نیکی با بدی یکسان نیست، (بدی را) با آنچه نیکوتر است دفع کن که ناگاه (خواهی دید) همان کسی که میان تو و او دشمنی بود، چون دوستی صمیمی گشته است.»

پیامبر اکرم (ص) در یکی از فرموده هایشان می‌فرمایند: «مبعوث شده‌ام تا ارزش های والای اخلاقی را به کمال برسانم.»

به طور کلی باورهای ایمانی، عبادات، احکام و دستورات و باید و نبایدهای دینی در مجموع برای آن است که انسان از اخلاق و رفتار پسندیده و درست در برخورد با دیگران برخوردار شود. هنگامی که اساس تعامل یک فرد با فرد دیگر یا حکومت با افراد و یا... بر مبنای خشونت و تندروری باشد به مرور زمان جایی برای ارزش های اخلاقی باقی نمی‌ماند و بیش از هر چیز این نوع برخوردها نشانه ضعف اخلاقی آنهایی است که از آن روش استفاده می‌کنند. اما گاهی توقع ما از برخی انسان ها بیش از حد انتظار است و اگر رفتار نادرستی را از شخصی یا گروهی یا... که به عنوان مسلمان شناخته شده اند ببینیم، تنها نیمه خالی لیوان را می‌بینیم و دیگر جوانب مثبت شخصیت و رفتار آنها را در نظر نمی‌گیریم و زمینه های بروز رفتار افراطی آنان را مورد بررسی قرار نمی‌دهیم. چه بسا این شخص یا گروه و جماعت در سایر زمینه ها رفتار درست و سنجیده ای داشته باشند. این نوع داوری های نادرست در مورد

آن شخص یا گروه یا... باعث واکنش ها و رفتار مقابله به مثل می شود و زمینه را برای افزایش رفتار خشونت آمیز به وجود می آورد.

بحث ما بر سر این است افرادی که دین دارند و برایشان مهم است که نتیجه نماز و عبادات آنها خصلت های مثبت و آرامش و امنیت برای دیگران باشد، باید مراقب باشند که با حفظ این ارزش های دینی و اخلاقی است که می توانند به عزت و کرامت واقعی برسند و زندانی شدن و تحقیر و توهین به آنها نشانه ضعف دین و هویت آنها نیست بلکه نشانه ضعف و خواری و درماندگی طرف مقابل است زیرا آنانند که ارزش های ایمانی، اخلاقی و یا قانونی خود را رعایت نکرده اند

البته اخلاقی که دین به آن سفارش می کند تنها محدود به اخلاق فردی نمی شود بلکه اخلاق اجتماعی، اخلاق رسانه ای، اخلاق سیاسی، اخلاق اقتصادی و... را نیز در بر می گیرد، و نباید تنها از مسئولیت افراد صحبت کرد و رفتار کاربدستان و دیگران را نادیده گرفت. هر انسانی دارای شخصیت، هویت و احترام است و حفظ این هویت ها و حرمت ها یک طرفه ممکن نیست و باید کل جامعه به ویژه دولت ها به ارزش های اخلاقی و آداب اجتماعی و مراعات دادگری نسبت به شهروندانشان پایبند باشند.

۵. اسلام دین کاملی است و بذاته عیبی ندارد، اما چرا پیروان دین اسلام گاهی دست به خشونت میزنند؟

برای یک فرد مسلمان احترام به باورها و اعتقاداتش بسیار مهم است چرا که زندگی و خیر و سربلندی و سعادت خود را مدیون آن اعتقادات می داند، اگر ببیند که دین و باورهایش مورد تمسخر و اهانت واقع شده او هم مقابله به مثل می کند و از خود رفتار خشونت آمیز بروز می دهد. دفاع از هویت و ارزش های پذیرفته شده افراد و گروه و جامعه ها امری طبیعی است و از سنت های خداوند متعال است و در جهان جانداران کاملاً مشاهده می شود، اما باید این نوع دفاع دارای قانون و ضابطه باشد ولی همانطور که اشاره کردیم گاهی

ضعف در تعلیم و تربیت فردی که به او تعرض شده است باعث می شود که بدون ضابطه به خشونت متوسل شود.

۶. همواره پیشگیری بهتر از درمان است، برای پیشگیری از بروز خشونت دینی چه راهکارهایی را پیشنهاد می‌دهید؟

عوامل بسیاری هستند که می توان به آنها اشاره نمود، اما به طور کلی پایه و اساس تعامل و رفتار هر فردی در هر شرایط و مقامی که هست با دیگران باید اخلاق مدارانه و ارزشی (بر اساس موازین و معیار های اسلامی و اخلاقی) باشد تا بتوان زمینه های خشونت را کم کرد. البته باید این را در نظر گرفت که مهار و کاستن از خشونت ممکن است اما ریشه کن نمودن آن خیر، زیرا این خصلتی است که در وجود انسان هست و منتظر زمینه ایست که برایش فراهم شود که سیاست گذاران و کاربدستان اجتماعی با تسامح و دادگری و احترام به انسان صرف نظر از دین، نژاد و قومیتشان باید مانع فراهم شدن آن زمینه ها بشوند.

۷. حقیقت امر این است که امروزه جامعه مسلمان دچار خشونت آن هم با ماهیت دینی شده است، حال به نظر شما درمان چیست؟ و چه باید کرد؟

یکی از مهمترین راهکارهای معالجه اش آن است که فراموش نکنیم انسان دشمنی دیرینه و قسم خورده به نام شیطان دارند و به عزت خداوند قسم خورده است که به هر طریق ممکن انسان ها را گمراه کند، و یکی از زمینه هایی که شیطان در باره آن بسیار تلاش می کند، ایجاد دشمنی بین انسان ها به وسیله تعصبات مذهبی و نژادی ... است، همانطور که قرآن می فرماید: ((اَئِمَّا يَرِيْدُ الشَّيْطَانُ اَنْ يُوْقَعَ بَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةُ وَ الْبَغْضَاءُ...)) « شیطان تنها در پی آن است که میان شما دشمنی و خشم و خشونت به وجود آورد.»

سخن آخر اینکه توصیه تان به خوانندگان این مطلب چیست؟

توصیه من بعنوان برادری مسلمان به دیگر برادران و خواهران اهل ایمان و انسان محور و بشردوست این است که: در رفتار و داوری خود با دیگران قرآن را برنامه و پیامبر گرامی (ص) را اسوه و الگوی خود قرار دهند.

همه سعی کنیم با ذکر و عبادت آگاهانه، فروتنانه و تلاش برای احساس حضور و نظارت خداوند نفس و شیطان های پیدا و پنهان را با مرور زمان مهار کنیم تا از تله هایی که برایمان قرار می دهند در امان بمانیم. چرا که شیطان دشمن قسم خورده انسان است و برای گمراهی اش لحظه ای از پای نمی نشیند. توصیه دیگر این است که از روش اعتدال و میانه روی پیروی کنند، چرا که دین خدا دین اعتدال و میانه روی است. و آن را راهکار و برنامه زندگی فردی و اجتماعی خود قرار دهند. همچنین اگر در باره باوری و موضوعی دینی، سیاسی و... دچار شک و تردید شدند از افراد کارشناس کمک بگیرند. در برخورد و تعامل با خشونت دیگران راه صبر و بردباری را پیش گیرند، چرا که صبر نشانه آرامش درونی و عزت نفس است، و بدان معناست که انسان در تعامل با این اینگونه رفتارها برخوردی ایمانی دارد نه انفعالی و نسنجیده. جهاد را - که یکی از احکام مورد اتفاق اسلام است - به قتال و جنگ که شرط و شروط خاص خود را دارد، محدود نکنند، بلکه دانشجویی، کار، خدمت، نوشتن، گفتن، کار اقتصادی ضابطه مند، و تلاش برای پیشرفت های فکری، فرهنگی، اقتصادی و صنعتی را نیز جهاد کفایی تصور کنند.

نابین و نابینداری (الدين والتدين)

له پښتو ټيکنه کردنی نابین و میژوو، وهک دوو ناست و بواړی جياواز، نم چمتو جياوازيه وهبیر دینمهوه:

- نابین: خودایه (الهی)، نابینداری مړویه (انسانی).
- نابین: ره هایه (مطلق)، نابینداری: رڼه یه (نسبی).
- نابین: پیروزه (مقدس)، نابینداری پیروزيه (غير مقدس).
- نابین: ناسمانیه (سماوی)، نابینداری زه مینیه (أرضی).
- نابین: یه کیکه (واحد)، نابینداری فره یه (متعدد).
- نابین: گو تاري نبوته (القرآن والسنة)، نابینداری تیگه شتنی مړوکه (الفهم).
- نابین: مېه سته گانه (المقاصد)، نابینداری میکانیزمه گانه (الآليات).
- نابین: به ها بالا گانه (القيم)، نابینداری ره فتاره (السلوك).
- نابین: بان میژوویه (غير تاریخی)، نابینداری میژوویه (تاریخی).
- نابین: نه گوره (ثابت)، نابینداری گوراه (متغير).

د. نه نوهر محمد فره ج

خودای مه زن هه لبژیره! مه عنای «لا إله إلا الله»

نووسه ر : جهلیل به هرامی نیا

دهمێكه حهز ئهكهم باسیك بنووسم له بارهی مه عنای «لا إله إلا الله» به كوردی؛ به لām نهئمهوێرا، ئهترسام نهتوانم بهو جۆرهی شیاوه باسی بكهم و ببێته هۆی خلیسكانی خوێنهريك؛ به لām نووسینهكهشی بووبوو به وركهو خۆرهی گیانمو ئاقیبهت چاری خۆم نهكردا!

به رههمی ماومهكی زۆر خوێندنهوهو بیركردنهوه، بهم ئهجامهه گهیاندهوم كه باشتترین و رێك و راستترین هاوتای كوردی بۆ لا إله إلا الله، خوا راو كردنه! به لائی خوا راو كردن له سهه كێشی كهو راو كردن و كهروێشكه راو كردن! ئهزانم ئهم قسه، بهتایبهت بۆ ئهوانهه من ئهئاسن، زۆر گرانه و جیگای سههسورمانه، به لām راستیهكهی ههر ئومهیه!...

جیاوازیهكه له مه دایه كه خوا له ناو ئیمهدا به كهسیك ئهگوتری و له قورئاندا به كهسیكی تر؛ خوا لای ئیمه بهو كهسه ئهلێن كه درووستكهری ئاسمان و زهوی و بهدیهنهری بوونهوه رانه، ئهو كهسهیه بلێندیهكان و كێوهكان و ئهستیرهكانی درووست كردوه و بهرگی بوونی كردووته بهر كائینات! به لām قورئان به كهسیكی دیکه ئهلێ خوا؛ خوا له قورئاندا ئهو كهسهیه كه تۆ، به لائی تۆی ئینسان، دانانی رێگای ژیاونت پێ سپاردوه؛ خوا ئهو كهسهیه كه تۆ چۆنیهتی به كار هینانی ئهندامهكانت لهو وهرئهگری! جا ئهگهر زمان و گوێ و دهست و لاقت ئاوا به كار ئههینی كه شهیتان ئهلێ، ئهوه خوای تۆ شهیتانه؛ ئهگهر گوێرایهلی نهفس بی، نهفس خواته و ئهگهر گوێرایهلی ئهللا بی ئهللا خواته؛ واته ئهوهی كه ئهللا خوات بی به دهستی خۆته و تا تۆ له بهكار هینانی ئهندامهكانتدا گوێرایهلی ئهو نهبی، ئهو با خالقیش بی، به لām نابێته خوات! خالقی بوونی ئهو به دهس ئیمه نییه و بهمانهوی و نهمانهوی ئهو ههر خالقی و بهدیهنهرمانه!

له سههر ئهم بنهمایه ئیمه یهك خوامان نییه و كۆمه لگای به شههری ههر له كۆنهوه تا ئیستا خوای زۆری تیدا بووه، چوونكه ههر كهسێ گوێرایهلی كهسیكه و خوای ئهو جیاوازه له خوای كهسانی دیکه؛ هیندێ كهس بهندهی شهیتانه و هیندێ بهندهی نهفسه و هیندێ بهندهی كۆمه لگایه و هیندێ بهندهی زۆرداران و...! ناودارترین خاكان له میژووی دیندا ئهمانن: نهفس، شهیتان، پوول و پاره، دهسه لات، كۆمه لگه.

زۆرداران، پیاوانی ئایینی و... جا ئیستا مه‌عنای لا إله إلا الله ئه‌ویه که تو به تیخی «لا إله» بکه‌ویته ناو خواکان، هه‌موویان جودا که‌یه‌وه و له سه‌ر ته‌ختی خوایه‌تی ده‌ریان که‌ی و ئیعلانی دوژمنایه‌تیان له گه‌لدا بکه‌ی و وه‌ک ئیبراهیم (د.خ) هاوار که‌ی: «كُلُّهُمْ عَدُوٌّ لِي إِلَّا رَبُّ الْعَالَمِينَ»! لا إله إلا الله یانی کاتیک ویستت بخوی ته‌نیا ئه‌و شتانه بخوی که ئه‌للا هه‌لالی کردوون؛ کاتی ویستت قسه‌ بکه‌ی ته‌نیا به‌و جوړه قسه‌ بکه‌ی که ئه‌للا رازیه؛ کاتی ویستت مامه‌له بکه‌یت ته‌نیا به‌و شیوه که ئه‌للا پیی خو‌شه‌ مامه‌له بکه‌ی و ئه‌و و خواکان جودا که‌یه‌وه و رووبه‌روویان ببیته‌وه و پییان بلایی: ئه‌للا نه‌بی که‌س ناکه‌م به‌ خوا و له ئه‌للا نه‌بی چۆنیه‌تی ژیان وهر ناگرم= لا إله إلا الله!

به‌لێ، ئه‌وه‌ی که ئه‌للا بیی به‌ خوامان به‌ ده‌س خۆمانه‌ و ئه‌ومیش که بیی به‌ ته‌نیا خوامان، ئه‌ومیش هه‌ر به‌ ده‌ست خۆمانه‌! موسولمانیته‌ ئه‌وه‌ نییه‌ که ئه‌للا خوامان بی، به‌لکوو ئه‌ومه‌یه‌ که ئه‌للا ته‌نیا خوامان بی! واته‌ ته‌نیا به‌و جوړه که ئه‌و پیی خو‌شه‌ ره‌فتار بکه‌ین و له‌ چۆنیه‌تی به‌ کاره‌ینانی ئه‌ندامه‌کانی دیار و نادیار ی له‌ش و نیعه‌مه‌ته‌کانماندا، ته‌نیا مو‌تیعی ئه‌م‌ری ئه‌و بین و ئه‌و خواکان له‌ دلمان و له‌ کۆمه‌لگامان ده‌رکه‌ین و راویان بننن! به‌لێ لا إله إلا الله به‌ کوردی واته‌: «خوا راو کردن»!



زۆر که‌م ئه‌مین ئویژو جه‌ماعه‌ت
له‌ئهمانه‌تیش نه‌که‌ن خیانه‌ت
عه‌زه‌ت ئه‌چینه‌ لای پیاوی زالم
قه‌درو ئیمانی نامینه‌ت عالم
په‌رو ئه‌سه‌ینه‌ت شه‌ه‌رابو قوما
مال گران نه‌بی له‌شار و بازار
کوشنه‌ت و دزی و تالانی و درۆ
فه‌قی‌ر و هه‌زار نه‌خاته‌ رۆڤۆ
ده‌وله‌مه‌ند زه‌کات نادهن به‌ ئیحسان
راسته‌ی نامینه‌ت زۆر ده‌بی بوختان
گۆزانی سووک و قسه‌ی ناره‌وا
په‌سه‌نه‌تر نه‌بی له‌ زیگری خوا
دایک و باب قه‌دریان لای گور نامینه‌ت
که‌س له‌ مه‌که‌ته‌یدا قورئان ناخوینه‌ت
بی‌ت و به‌ره‌که‌ت ئه‌روا له‌عه‌رز
کچ و کوپ بیکدین له‌پوی بی‌عه‌رز
ئهمه‌ نه‌ستانه‌ی ناخ‌زه‌مانه‌
واده‌ی ده‌جال و قینه‌ی شه‌یتانه‌

پیره‌ می‌ژرد

فرسته نورینه کان !

له مه مله که تی ئیمان و برواو خواناسیدا شکوفی و مرزی عبادت و بهندایهتی له جوانترین تابلویی (رمهزان) یدا خوی نمایش دمکات بۆتامهزرۆیان و ڕێبوارانی ئهم کاروانی خواناسیه.

رمهزان باشتترین فرسته تازۆرتترین قازانج و سودی لێ و مر بگرین و ئاوێزان بین بهساته پرنورینهکانی و... شهو و ڕۆژهکانی بکهینه سهولێ کارو خهبات. تاكو كهشتی ئیمانمان لهکهناره کانی بهخته موری لهنگر بگرئ.

مانگی رهمهزان باشتترین فرسته بۆنهوانهی تامهزرۆی لیخۆش بونی خواین و. نایاب ترین دهرفته تامه لۆی چاکه کاری بخهینه سهر خهرمانی تههمنان.

مانگی رهمهزان فرستهی خۆیندنه و موکه شفکردنی حهقیقهت و ماهیهیهتی نهفسی خۆمانه! که ده بێت به جورئهته و دهست بهیهن بۆرگ و ڕیشهی دهرده دهر و ونیه کان وله رهگهوه دهریان بهینین. مانگی رهمهزان مانگی دابهزین و پهخشی تیشکی زیرینی قورئانه. بۆیه ده بێت دلگهکانمان زاخو بدهین به ئایه ته پیرۆز مهکانی قورئان و ژیان له خزمهتی یهک بهیهکی سورمهکانی قورئاندا.

مانگی رهمهزان مانگی ههست کردنه به برسهتی و تینۆیتی بۆیه ده بێت له گهڵ ههزاران دابژین و زۆر ترین بهخشین و دهست کراوهییمان هه بێت تاههست به نهیعهتهکانی خوا بکهین و سوپاس گوزاری له سهر دهر بێرین. مانگی رهمهزان نهو مانگهیه که ده بێت زۆرترین بیستن و وتن و بینیمان بۆخوا و له پێناوی خوادابیت وه دوو ربین له ههر شتیک که زهر مر بدهات له بالانسی ئیمان و دینداریمان.



پیشهوا حسن البنا

نأومید مه بن

چونکه نأومیدی رهوشتی موسلمانان نیه
راستیهکانی ئه مرۆ خه و نهکانی دوینین
خه و نهکانی ئه مرۆش راستیهکانی سبهینین.

نازادی و نازیاهیتی ... دو چیروک

یه‌که‌م: خزمەتکاری پاشایه‌ک دهمچینه لای زانایه‌ک و شکاتی حالی خوی دهکات و ده‌لێت که شه‌وو روژ خزمەتی پاشا ده‌که‌م و هیوای زورم پیی هه‌یه و زوریش له سزای دهرسەم، زاناکه دهست دهکات به گریان و ده‌لێت ئەگەر من ناوا خوا پهرستیم بکرده‌یه یه‌کێ ده‌بوم له دۆستانی خوا.

دوهم: دووبرا هه‌بون یه‌کیکیان خزمەتکاری ده‌سته‌لاتداریک و نه‌ویان نازاد وه‌بە زحمەت و نازیاهیتی و رهنجی شانی نانی خوی و خیزانی به‌ دهست ده‌هینا، جاریکیان برا خزمەت کارمه‌که پیی ده‌لێت بۆچی نابێته خزمەت چی تا له ناره‌حمەتی و زحمەتی نیشکردن نه‌جانت ببیت؟ نه‌ویش له وه‌لامدا پیی ده‌لێت نه‌ی تو بۆچی نازا نابیت و نیش ناکه‌یت تا له ژیر دهستی و پهستی خزمەت چیتی نازاد بیت؟

نانی رهنجی خۆت به وشکی بخۆیت هه‌رچه‌ند هه‌زار بیت.. زور زور چاتره له تفه‌نگی ژیر له که‌له‌که‌ت بیت به‌س خزمەت کار بیت.

فرمیسکی په‌شیمانی له مانگی رهمه‌زанда

خۆشه‌ویستان: پێیو‌ستیمان به‌ رژانی فرمیسکی په‌شیمانی هه‌یه دهرباره‌ی ئەو که‌م و کورتیان‌ه‌ی که کردومانه به‌رامبه‌ر به‌ خوای گه‌وره و پێغه‌مبه‌ره‌کی و نایه‌که‌ی و خودی خۆمانیش. پێیو‌سته له مانگی رهمه‌زанда له چاوه‌کانمان ناوی گه‌رم دهره‌نین بۆ ئەوه‌ی تاوان و گونا‌هه‌کانمان بشواته‌وه.

پێیو‌سته له‌م مانگه‌ پێرو‌زهدا خۆمان بشکینینه‌وه و په‌شیمانی دهربرین دهرباره‌ی ئەو هه‌لانه‌ی کردومانه به‌رامبه‌ر به‌ خۆمان و ئوممه‌ته‌که‌مان.

نازیزان و خۆشه‌ویستان: باشت‌ترین کار بۆ مرو‌فی موس‌لمان له‌م مانگه‌ پێرو‌زه‌ بریتیه له گه‌ران‌ه‌وه‌ی بۆ لای خوای گه‌وره و فرمیسکی په‌شیمانی برژینیت بۆ خوای گه‌وره... کاتی ئەوه هاتوه مو‌حاسه‌به‌ی خۆمان بکه‌ین و بریار‌ی ته‌وبه‌یه‌کی راسته‌قینه‌ بده‌ین. داواکارم له خوای گه‌وره سیفەتی لێبورد‌ه‌ییان پیی ببه‌خشیت و چاوه‌کانمان پر بکات له فرمیسکی په‌شیمانی و له هه‌موو گونا‌هه‌کانمان خوش بیت و به‌هه‌شتی به‌رین شادمان بکاته‌وه.



• **سایت نوگرا**

• www.eslahe.com



• **پایگاه اطلاع رسانی اصلاح**

• www.islahweb.org



• **سایت رسول الله**

• www.rasol.net



صلى الله عليه وسلم

رحمت مغفرت